

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۱۰ بهمن ۱۳۹۲

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان بمناسبت سی و پنجمین سالگرد انقلاب بهمن

هموطنان گرامی!

سی پنج سال از پیروزی انقلاب مردمی و شکوهمند بهمن گذشت. انقلاب بهمن ۵۷، انقلاب توده های عظیم خلق برای حاکم شدن شدن بر سرنوشت شان و تحقق آرمانهای والایی همچون آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود. حرکت وسیع توده های مردم بر ضد استبداد و بی عدالتی حاکم بر جامعه ای شکل گرفت که سالهای متمادی بخصوص پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر آن تحمیل شده بود. اعتراض های وسیع و سازمان یافته کارگران، دانشجویان و دیگر زحمتکشان کشور بود که توانست نقش اساسی در پیروزی انقلاب بهمن ایفاء نماید. اعتصاب سراسری کارگران نفت، کارمندان و حرکت های اعتراضی دانشجویی رژیم ستم شاهی را با بحران جدی روبه رو کرد و سرانجام شرایطی را در جامعه پدید آورد که اکثریت عظیم توده های جان به لب رسیده به جنبش اعتراضی پیبوندند.

انقلاب بزرگ مردم ایران بر پایه تشدید تضادهای درونی و بیرونی جامعه ما یعنی حاکمیت رژیم دست نشانده سلطنتی که سرمایه داران و زمین داران بزرگ پایگاه اصلی آن را در داخل و وابستگی سیاسی - اقتصادی به امپریالیسم پایگاه خارجی آن را تشکیل می دادند، شکل گرفت. طرح شعارهایی همچون «آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی» از سوی توده های ملیونی شرکت کننده در انقلاب نشانگر ماهیت عمیقاً ملی و دموکراتیک انقلابی است که می خواهد کشور را از خفقان و وابستگی رهایی بخشد.

شرکت اکثریت قریب به اتفاق مردم شهری و روستایی در انقلاب نشان از خصلت مردمی و ضد استبدادی آن داشت.

ادامه درص ۲

حقوق ملی

چالش ها و چشم انداز آینده

بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس قید شده است. با گذشت ۳۵ سال از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ این اصل قانون اساسی مانند بسیاری دیگر از اصول مردمی آن مانند آزادی احزاب، سازمان های سیاسی و تشکل های صنفی و ... نا دیده گرفته شده است. حسن روحانی، در بیانیه سوم خود پیش از برگزاری انتخابات اخیر ریاست جمهوری، ایران را «بوستانی عطرآگین از اقلیم ها، ادیان و مذاهب گوناگون» توصیف کرد و تعهد داد در صورتی که رئیس جمهور شود، تبعیض و بی عدالتی ها در باره اقوام ایرانی را از میان بردارد. تدریس زبان مادری ایرانیان به طور رسمی در سطوح مدارس و دانشگاه ها در اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی» و «تقویت فرهنگ و ادبیات اقوام ایرانی و پیشگیری از زوال آنان به منظور حفظ و نگهداشت این میراث کهن ایرانی» از نکات مهم دیگر این بیانیه بود.

بعدها ایشان در چارچوب قول هایی که داده بود، علی یونسی وزیر اطلاعات دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی را بعنوان دستیار ویژه رئیس جمهور در امور «اقوام، اقلیت های دینی و مذهبی» بر گزید. دستیار رئیس جمهور در امور اقوام، اقلیت های دینی و مذهبی در سخنرانی ها و مصاحبه های خبری که داشتند، سخن از احزاب ملی، تدریس به زبان مادری و نکاتی دیگر در همین چارچوب گفته اند. اینکه آقای یونسی فرد مناسبی برای این امر مهم و حیاتی که با سرنوشت و خواست دیرینه اکثریت ساکنان کشور ما گره خورده است، هست از یک طرف و اینکه آیا چنین ظرفیتی در مجموعه نظام جمهوری اسلامی برای اجرایی کردن حقوق خلق ها وجود دارد از طرف دیگر، سئوالی است که آینده به آن پاسخ خواهد داد.

ادامه درص ۳

بمناسب دوم بهمن (۲ ریه ندان) سالروز تاسیس جمهوری مهاباد



در شرایطی که بیگانگان در هر نقطه از خاک ایران و حتی در تهران هر طور می خواستند تصمیم می گرفتند و هر چه می خواستند بر سر مردم می آوردند، کدام عقل سلیم کار ما را که برقراری امنیت و حفظ جان و مال و آبروی

مردم و رفع آشوب و برادر کشی بود، محکوم می کند؟ با مراجعه با آمار در خواهید یافت که شمار تلفات مردم و نظامیان، موارد ارتکاب مردم به جرم و جنایت و حتی دست اندازی بیگانگان اشغالگر، در این بخش از کردستان به مراتب از هر جای دیگر ایران و منجمله تهران کمتر بوده است. شما با استناد به کدام مدارک ما را تجزیه طلب می نامید؟ مطلوب ما کردستانی است آباد و آزاد به عنوان بخشی از ایران آباد و آزاد.

(از دفاعیات قاضی محمد در بیدادگاه رژیم پهلوی)

ادامه درص ۴

در این شماره

- | | |
|-----|--------------------------------|
| ۶ص | جنبش اعتراضی ۲۹ بهمن تبریز |
| ۸ص | حقوق زنان در جهان و ایران |
| ۹ص | جنگ برادرانه در اوکراین هرگز! |
| ۱۰ص | نامه مجمع نمایندگان |
| ۱۱ص | تراز آب دریاچه ارومیه |
| ۱۲ص | بیوک آقا شکورزاده مراغه ای |
| ۱۳ص | مسائل حاد محیط زیست |
| ۱۶ص | تراکتورسازی قهرمان جام حذفی شد |

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

اعلامیه کمیته مرکزی....

از آنجا که آذربایجان بعنوان مرکز قیام ها و خیزش های آزادیخواهانه، عدالت طلبانه و ضد استبدادی همواره بعنوان نقطه عطف انقلابات در ایران عمل کرده است. قیام خونین ۲۹ بهمن تبریز ۱۳۵۶ را می توان جرقة آغاز خیزش سراسری توده های ستم دیده کار و زحمت، آزادیخواهان و انقلابیونی دانست که بر علیه حاکمیت سرمایه، ترور و سرکوب بیا خاستند و ندای آزادی و سرنگونی رژیم را فریاد سر دادند. بعد از اعتراضات گسترده ۲۹ بهمن تبریز بود که باشکسته شدن نسبی فضای امنیتی و خفقان و فرو ریختن ترس توده ها بویژه کارگران، زنان و جوانان و دانشجویان، اعتراضات و اعتصابات، گسترده تر و هسته های مبارزاتی مخفی و علنی در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات دولتی و محل های کار و محلات سازمان یافته تر گردید. شعله های مبارزه افروخته تر شد. و پس از یک سال به ثمر رسید.

با پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم شاهنشاهی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نخستین مرحله سیاسی انقلاب تحقق یافت. با این پیروزی، خاندان پهلوی و کلان سرمایه داری وابسته که حاکمیت مطلق را در اختیار داشتند، بر کنار شدند. انقلاب که با اتحاد وسیع مردم به پیروزی رسیده بود، شرایط را از هر جهت برای تحولی بنیادین در جامعه استبداد زده و عقب مانده ما بوجود آورد. بسیاری از نیروهای انقلابی بر این باور بودند که با توجه به حمایت و پشتیبانی عظیم توده های مردمی از اهداف و آرمانهای انقلاب، می توان با تشکیل جبهه وسیعی از همه نیروهای ترقیخواه و آزاد اندیش و میهن پرست با جبهه ضد انقلاب داخلی و جهانی و آن نیروهایی که پشت نقاب انقلابیگری و مذهب پنهان شده اند و قصد دارند اهداف انقلاب را در چارچوب منافع گروهی و تنگ نظرانه خود، مصادره و نهایت به شکست بکشانند، مقابله کرد و به پیروزی رسید. تنها با گذشت از این مرحله حساس انقلاب می توانست به یک تحول عظیم سیاسی، اجتماعی - اقتصادی به نفع منافع اکثریت بزرگ مردم محروم کشور فرا رود.

گر چه توطئه های ریز و درشت ضد انقلاب داخلی و جهانی، تنگ نظری و انحصار طلبی برخی از دوستان انقلاب و کم تجربگی سازمان های سیاسی در زمینه اتحادها و درک نادرست از اهداف کوتاه مدت و دراز مدت، مانع چنین اتحادی شد. علیرغم این همه حضور پر شور مردم این اجازه را به نیروهای ضدانقلاب و بازدارنده نداد تا از همان ابتدا مانع پیاده شدن اهداف انقلاب شوند. آغاز فعالیت سیاسی احزاب و سازمان ها و تشکل های صنفی، مصادره اموال سرمداران رژیم گذشته، ملی کردن بانک ها، معادن، تقسیم اراضی ملاکین بزرگ به سود دهقانان و ... بیرون راندن دهها هزار مستشار آمریکایی و دیگر کشورهای امپریالیستی که سالها سرنوشت کشور بدست آنان بود از جمله اقدامات سودمندی بود که در سالهای نخست انقلاب صورت

گرفت. تداوم چنین اقداماتی پایگاه اجتماعی انقلاب را گسترده تر و غیر قابل برگشت می کرد.

نخستین آزر خطر جدی برای انقلاب و اهداف آن تحمیل جنگ خانمانسوز و ویرانگر بین ایران و عراق بود. تحمیل جنگ که با توطئه کشورای امپریالیستی برای به شکست کشاندن انقلاب طراحی شده بود با اصرار رهبران رژیم به ادامه بیهوده آن پس از بیرون راندن دشمن، با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" به یک جنگ فرسایشی تبدیل شد که نتیجه ای جز خسارت جبران ناپذیر نیروی انسانی و مالی برای کشور چیز دیگری در بر نداشت. جنگ اگر برای توده های مردم جز ویرانی، تورم، گرانی و بیکاری چیز دیگری در بر نداشت، برای نیروهایی که به انقلاب و آرمانهای آن اعتقاد نداشتند موهبتی شد تا از فضای جنگی کشور به هر ترفندی برای رسیدن به قدرت و به شکست کشاندن انقلاب استفاده کنند. برای تحقق برنامه های ارتجاعی و ضد مردمی شان آن چنان موجی از خشونت و سرکوبگری در جامعه حاکم کردند که حتی شماری از رهبران درجه اول مذهبی و «مراجع تقلید» را به زندان و گوشه نشینی وا شدند. هزاران انسان دگراندیش، زندانیان سیاسی ۲۵ سال زندان کشیده در دوران شاه، نویسندگان، مترجمان و اندیشمندان فرهیخته، کارگران آگاه و سندیکالیست ها به جرم واهی به زندان کشیدند و زیر فشار روحی و روانی قرار دادند و به شهادت رسانند. این بخش کوچکی از کارنامه سیاه افرادی است که با کشت و کشتار و فضای رعب و وحشت به انتقام از انقلاب و مردم برخاستند. در کنار این کشت و کشتار و ادامه سرکوب و خشونت بر ضد دگراندیشان و فعالان مدنی و فرهنگی خلق های ساکن کشور، بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی است که اکثریت بزرگی از مردم ما را به زیرخط فقر رانده است.

مردم کشورمان اعم از دانشجویان، روشنفکران، کارگران و بویژه زنان در این سالهای سیاه بر علیه سیاست های ویرانگر دولتمردان رژیم جمهوری اسلامی به پا خاسته اند. تبلور این مبارزات را می توان در جنبش اصلاحات، جنبش سبز و انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم بوضوح دید. همه این ها نشان میدهد که مردم کشور ما علیرغم امکانات محدود و شرایط امنیتی - پلیسی که وجود دارد، دست از مبارزه نکشیده و هر گز اجازه نخواهند داد که غاصبان انقلاب بیش از این با سرنوشت کشور بازی کنند. ما امیدواریم همه نیروهای انقلابی، آزادیخواه و میهن پرست با درک وظایف خطیر کنونی با گام گذاشتن در راه اتحاد و یکپارچگی دوشادوش مردم به مبارزه علیه وضع موجود بپا خیزند.

گرامی باد خاطره تابناک شهدای انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

حقوق ملی.....

برای نخستین بار در تاریخ برنامه نویسی جمهوری اسلامی مبحث "قومیت ها و توسعه در ایران" به عنوان یکی از مباحث برنامه چهارم توسعه کشور در سال 1381 مطرح شد. در دیماه همان سال میز گردی به همت آقای احسان هوشمند با شرکت آقایان علیرضا صراف، دکتر جواد هیئت (آذربایجانی)، احسان هوشمند، محمد علی ساطانی (کرد)، یوسف عزیری بنی طرف، نوروز حمزی (عرب خوزستانی) و عبدالعزیز بخشان از بلوچستانبر گذار شد. در این میزگرد سخنرانان در باره مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خلق های ساکن کشور با ارقام و آمار صحبت کردند. سخنرانان بر اساس آمارهای دولتی نشان دادند که علاوه بر مشکلات آموزشی و فرهنگی، شکاف عمیق اقتصادی میان مرکز و دیگر استان های کشور بشدت رشد کرده و خواستند که برای پدیده خطرناک تمرکزگرایی چاره جدی شود.

شرکت کنندگان در این همایش، از این که در تاریخ برنامه ریزی های کلان کشور برای نخستین بار سازمان مدیریت و برنامه ریزی شده ای به نام «توسعه و قومیت ها» در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور گنجانده است را مثبت و گامی به جلو ارزیابی کردند.

با تغییر دولت و آمدن احمدی نژاد به کاخ ریاست جمهوری، گام های هرچند کم فروغی که برای حل بخشی از خواست های به حق خلق های ایران بر داشته شده بود، کنار گذاشته شد. سیاست سرکوب خلق های ها کشور با شدت بیشتری در دستور کار نیروهای امنیتی - نظامی رژیم تحت عنوان "تجزیه طلبی، تشویش اذهان عمومی، به خطر انداختن امنیت ملی و توهین به نظام ... " قرار گرفت. این سیاست تا جایی پیشرفت که حتی معترضین به خشک شدن دریاچه ارومیه شامل شد. فعالان مدنی و سیاسی و طرفداران محیط زیست که خواهان رسیدگی فوری دولت برای جلوگیری از فاجعه خشک شدن دریاچه ارومیه شده بودند، تحت همان عناوین، مورد ضرب و شتم قرار دادند و عده زیادی را دستگیر و زندانی کردند.

رژیم جمهوری اسلامی مانند رضا شاه سرکوب خلق ها را تحت عنوان دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با توطئه دشمنان خارجی توجیه کرده است. با این تفاوت که رضا شاه سخن از "ملت بزرگ و یک پارچه" می گفت و سران جمهوری اسلامی از "امت واحده" سخن می گویند.

در حالیکه هم تجربه کشورهای پیشرفته و هم تجربه های کوتاه مدت در ایران نشان میدهد که بدون رشد متوازن و تعدیل شکاف میان خلق ها توسعه و پیشرفت ملی امکان پذیر نیست. برعکس ادعای دولت های تمرکزگرا، بی توجهی نسبت به شکاف تاریخی و ساختاری که عمدتاً به شکل شکاف قومیت ها، چالش هایی بوجود می آورد که در تحلیل نهایی خطر از هم گسستگی و تضعیف وحدت و یکپارچگی ملی را در پی خواهد داشت. این تئوری که میدان دادن به توسعه سیاسی و آزادی های دمکراتیک ممکن است تجزیه کشور را در بر داشته باشد، اساساً از ذهن نیروهای مستبد و تمامیت خواه تراوش می کند و توهین بزرگی به شعور ملی و سیاسی اکثریت ساکنان کشور است.

باید بدانیم که مقوله توسعه کشور و حقوق خلق ها تنیدگی تاریخی، فرهنگی و اقتصادی دارد. با رشد و پیشرفت علم و دانش، ارتباطات الزامی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین اقوام گوناگون گسترش و اجتناب ناپذیر شد. در

کشور ما به جای پذیرفتن چنین واقعیتی و استقبال از آن، سیاست تسلط قومی بر قوم دیگر را مبنا قرار دادند. این سیاست غلط پیامدها و چالش های خاص خود را داشته است که تا به امروز ادامه دارد.

در ایران مبارزه با نا برابری قومی (ستم ملی) از همان ابتدا به اشکالی شکل گرفته بود. اما پس از انقلاب مشروطیت توجه بیشتری را به خود جلب کرد. انقلاب مشروطیت دارای دو وجه عمده ملی و دمکراتیک بود. در آن زمان مسئله ملی به شکل امروزیش چندان مطرح نبود. با اینکه رهبری انقلاب مشروطیت در دستان آذربایجانی ها بود. مفهوم از مقوله ملی را برای تمام اقوام معنا می کردند. همانطور که دیدیم انقلابیون مشروطه موفق شدند تا ماده انجمن های ایالتی و ولایتی در قانون اساسی گنجانده شود. با کودتایی که با حمایت نیروهای بیگانه بود، رخ داد رضا شاه روی کار آمد. در این مقطع تاریخی که در بسیاری از نقاط جهان مبارزات ضد استعماری به ثمر می رسید و خلق ها یکی پس از دیگری آزادی خود را بدست می آوردند. در ایران جیره خواران استعمار و روشنفکران وطنی که در میان آنان روشنفکران آذربایجانی هم بودند. کوشیدند مقوله ملی را به مفهوم یک زبانی (فارسی) معنا کنند. این گروه خواسته ویا ناخواسته زیر پرچم این شعار رفتند که تکثر گرایی زبان و فرهنگ مانع رشد و پیشرفت کشور خواهد شد. بدین طریق یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطیت که جنبه ملی آن بود زیر پا گذاشته شد.

رضاه شاه که خود مولود کودتا بود جنبه دمکراتیک انقلاب مشروطیت را بطور کامل تعطیل کرد. احزاب و سلزمان های سیاسی و ملی را سرکوب کرد. از آن پس دستگاه استبدادی رضاه شاه با زور سرنیزه و سرکوب خشنقومیت های غیر فارس، جامعه ای استبداد زده و به لحاظ قومی نابرابر ایجاد کرد.

پس از فرار رضا شاه که مقارن بود با شکست فاشیسم در اروپا، فضای نیمه دمکراتیکی در کشور بوجود آمد. همزمان با تشکیل احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی، جنبش های ملی نیز جان تازه ای گرفتند. احزاب ملی که از حمایت گسترده مناطق قومی بر خوردار بودند، در صدد بر آمدند تا به نابرابری و ستمی که در طول تاریخ به خلق های ایران رفته است، پایان دهند. در آذربایجان و کردستان که پیشینه مبارزاتی بیشتری نسبت به دیگر نقاط ایران وجود داشت و از طرفی قدرت سرکوب دولت مرکزی بدلیل حضور نیروهای نظامی اتحاد شوروی که در چارچوب نیروهای متفقین در این مناطق حضور داشتند، کمتر بود. شرایط مناسبتری ایجاد شده بود تا از این فضا اقدامات عملی در جهت خواست دیرینه مردم که همان رفع ستم ملی است، صورت گیرد. جنبش 21 آذر به رهبری پیشه وری برای اولین بار در آذربایجان دولتی با مضامین ملی در چارچوب یک کشور کثیرالمله تشکیل داد. در کردستان جمهوری مهاباد به رهبری قاضی محمد روی کار آمد. بزرگترین دستاورد دولت خود مختار آذربایجان و جمهوری مهاباد این بود که نشان دادند، خلقهای ایران با رسیدن به حقوق واقعی خود، نه تنها هیچ مانعیتی در راه پیشرفت و ترقی کشور ندارند، بلکه بدون در نظر گرفتن آزادی های دمکراتیک و از آن جمله حقوق خلق ها، پیشرفت و ترقی ممکن نخواهد شد. این بار نیز محمد رضا پهلوی با گام گذاشتن در راه پدر و با کمک گرفتن از نیروهای انگلیس

ادامه درص ۴

حقوق ملی.....

نخست بیانیه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد دسامبر سال ۱۹۹۲ به صراحت در باره حقوق اقلیت های قومی و مذهبی نوشته شده است: "هر کشوری باید در قلمرو خود از وجود اقلیت ها و هویت قومی یا نژادی و نیز از هویت فرهنگی، دینی و زبانی آنها حمایت کند و شرایطی را که ضامن تحکیم این هویت است فراهم نماید." با این همه هر اقدام عملی برای رفع ستم ملی توسط هر دولتی بدون در نظر گرفتن تجربه تاریخی احزاب و سازمان هایی که در این راه مبارزه کرده اند و بدون استفاده از کارشناسان و روشنفکران و پژوهشگران قومی - ملی با موفقیت همراه نخواهد بود. دولت آقای روحانی اگر بخواهد به وعده های داده شده خویش عمل کند، ابتدا باید موانع پیش رو را که دهه هاست جان سختی می کند شناسی واز سر راه بردارد. زیرا این موانع که دارای منافع و منفعت هایی هستند، براحتی کنار نخواهند رفت، مگر با نیرو و قدرت همه مردم بخصوص نیروی خلق های ذینفع در این میدان مبارزه. این مهم با دستور و فرمان و شعار عملی نخواهد شد. عملی ترین و واقعی ترین شکل آن کوشش برای مشارکت نخبگان قومی و ملی در حاکمیت است تا دولت و حاکمیت در یک روند مناسب در برگزیده همه خلق های ایرانی باشد. از طرف دیگر ایجاد فضای مناسب برای فعالیت احزاب و نهادهای فرهنگی، ادبی، اجتماعی و اقتصادی خاص خلق ها می تواند به این روند یاری رساند. این پروسه به آزادی های دمکراتیک نیز کمک می کند و در نهایت به توسعه، عدالت، برابری قومی و وحدت ملی منجر خواهد شد.

و آمریکا این جنبش ها را نیز به خاک و خون کشید. سرکوب خشن فرهنگی و سیاسی قومیت ها نتیجه ای جز جامعه ای استبداد زده، عقب مانده و از نظر قومی نا برابر تا به امروز نداشته است. گر چه یکی از دستاوردهای انقلاب بهمن برسمیت شناختن حقوق اقوام در قانون اساسی است اما تا کنون اجرایی نشده است.

امروز بر کسی پوشیده نیست که عدم توازن در توسعه ملی میان قومیت مسلط و قومیت های دیگر تاثیر منفی بسیاری در زندگی روزمره همه مردم خواهد گذاشت. واکنش به این نا برابری ها و بیعدالتی ها در دهه های اخیر، به گسترش سطح آگاهی و شعور ملی بیشتر خلق های ایران کمک کرده است. امروز از بلوچستان، خوزستان، ترکمن صحرا گرفته تا کردستان و آذربایجان و بخش بزرگی از روشنفکران، فرهنگیان، سیاسیون و زحمتکشان فارس زبان، همه خواهان رفع ستم ملی و برابری فرصت ها در عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای همه ساکنان کشور هستند. برخی دیدگاهها نیز وجود دارد که حقوق شهروندی را می خواهند به جای حقوق ملی جا بزنند. روشن است که مقوله حقوق شهروندی با حقوق گروهی - قومی دو مقوله جداگانه است. در حقوق شهروندی، حقوق فردی لحاظ شده است. که شامل همه شهروندان کشور می شود. اما اقوام و خلق های ساکن کشور علاوه بر حقوق فردی دارای حقوق گروهی نیز هستند که حقوق ملی نامیده می شود. در ماده

بمناسب دوم بهمن.....

۳- انجمن ایالتی کردستان، باید بی درنگ، موافق با قانون اساسی انتخاب شود و بر تمام امور دولتی نظارت کند.
۴- کلیه کارکنان دولت در منطقه کرد تبار باشند.
۵- قانون واحد برای کشاورزان و مالکان وضع گردد و آینده این دو طبقه تامین شود.
۶- حزب دمکرات کردستان برای تامین وحدت و دوستی کامل در مبارزه با مردم آذربایجان و سایر اقوامی که در آذربایجان زندگی می کنند (آشوری ها، ارمنی ها و غیره) کوششی خاص مبدول خواهد داشت.
۷- ما آرزومندیم مللی که در ایران زندگی می کنند بتوانند آزادانه در راه تامین سعادت و پیشرفت کشور خویش بکوشند. زنده باد خود مختاری دمکراتیک کردستان.»
در تحولات بعدی در بهمن (۲ ریبینه دان) ۱۳۲۴ شمسی، قاضی محمد در میدان «چوارچرای» مهاباد با حضور جمعیت بزرگی از بزرگان شهر و روسای بسیاری از قبایل کرد تاسیس جمهوری مهاباد را اعلام کرد. در این روز پرچم کردستان بر فراز ادارات مهاباد، نقده و اشویه به اهتزاز در آمد.
این پرچم دارای همان سه رنگ سبز و سفید و سرخ اما به ترتیب عکس پرچم ایران و در زمینه سفید آن خورشیدی با دو خوشه گندم نقش شده بود. قاضی محمد پس از اعلام جمهوری و در مقام رییس جمهور، اعضاء کابینه جمهوری خود مختاری مهاباد را انتخاب و معرفی کرد:
حاجی بابا شیخ. نخست وزیر (صدر هیئت رئیسه). اهل بوکان.

ادامه درص ۵

سال های جنگ جهانی دوم برای ایران همراه است با اشغال ایران توسط قوای متفقین، سقوط دیکتاتوری رضا شاهی، و آغاز دوره ای از آزادیهای سیاسی، فعالیت احزاب و مبارزات پارلمانی. ارتش بریتانیا در جنوب و ارتش سرخ در شمال، آذربایجان و بخش هایی از کردستان حضور دارند. با شکست فاشیست و تضعیف حکومت مرکزی و پیروزی اتحاد جماهیر شوروی شرایط مناسبی برای مبارزات خلق های ایران بخصوص در آذربایجان و کردستان ایجاد کرده بود که به خواسته های دیرین خود جامه عمل بپوشند.

در چنین شرایطی و با رشد میل بیشتر برای پایان دادن به تبعیض و ستم ملی در میان مردم، قاضی محمد شخصیت روحانی و معتبر مهابادی در سال ۱۳۲۳ به جمعیت «کومه له» پیوست. و به سرعت به چهره با نفوذی در این تشکیلات مبدل شد.

یک سال بعد قاضی محمد و سران کومه له به این ارزیابی رسیدند که برای پیشبرد مبارزات خلق کرد به یک حزب فراگیر نیاز دارند. به همین خاطر با سرشناسان کرد به مذاکره نشستند. سپس بیانیه ای با امضاء قاضی محمد و ۱۰۵ تن از سرشناسان کرد انتشار یافت. در این بیانیه تاسیس حزب دمکرات کردستان و اهداف آن به اطلاع عموم رسید. در بخشی از بیانیه آمده است:

«۱- مردم کرد ایران باید از آزادی و خود گردانی در اداره امور خود بهره مند باشند یا در چارچوب کشور ایران خود مختاری داشته باشند.

۲- زبان کردی زبان رسمی آموزشی و اداری باشد

بمناسب دوم بهمن....

سیاستمداری شصت و پنجساله از خانواده سادات زمبیل اطراف بوکان. در زمان رضاشاه از دوستان وفادار و قابل اعتماد رضاشاه بود و نزد او نفوذ و اعتبار داشت. «حاجی شیخ بابا نزدیکی خاصی با قاضی محمد نداشت و چنین استنباط می‌شد که برای خنثی کردن اعمال و کردار خانواده ایلخانی زاده‌های بوکان به مقام صدارت عظمی رسیده است... او رفتار بسیار خوبی با مردم داشت... اما هرگز فرد قدرتمندی در حکومت نبود.» (۱۱۷)

وزارت جنگ به عموزاده قاضی محمد یعنی محمد حسین سیف قاضی واگذار شد.

وزارت فرهنگ: مناف کریمی. از مهاباد. از اعضای قدیمی «جمعیت ژ.کاف» و عضو کمیته مرکزی. مناف کریمی جوانی بیست و پنج ساله از خانواده‌های متوسط اما شناخته شده و مورد احترام مردم مهاباد.

وزارت داخله (کشور): محمد امین معینی. صاحب گاراژ و دارای روابط تجاری با تجار روسی مستقر در تبریز.

وزارت بهداری: سید محمد ایوبیان. جوانی سی ساله و خود ساخته. داروخانه‌ای را که متعلق به پدرش بود اداره می‌کرد. یک سال پس از تشکیل «جمعیت ژ.کاف» به عضویت آن در آمده بود.

وزارت امور خارجه: عبدالرحمن ایلخانی زاده فرزند حاجی بایزید آقا.

وزارت راه: اسماعیل آقا ایلخانی زاده پسر عموی عبدالرحمن ایلخانی زاده. هر دو از خانواده‌های منتفذ بوکان از ایل ده بکری که نوعی رقابت با قاضی داشتند و انتخاب آنان انتخابی سیاسی و ضروری بود. ایلخانی زاده ها عضو «جمعیت ژ.کاف» و حدوداً سی و پنج ساله بودند.

وزارت اقتصاد: احمد الهی. چهل ساله. اهل بازار و کسب و کار. تحصیل کرده و آشنا با مناطق مختلف کردستان از نظر زمینه‌های تجاری و تجارت. از اعضای قدیمی «جمعیت ژ.کاف» و در منزل او بود که قاضی محمد برای عضویت در جمعیت مراسم تحلیف بجای آورد.

وزارت کار: خلیل خسروی. از خانواده‌های قدیمی مهاباد. چهار ماه پس از تشکیل «جمعیت ژ.کاف» به عضویت آن در آمده بود.

وزارت پست و تلگراف: کریم احمدین. مردی چهل ساله از خانواده‌ای نیک.

وزارت تجارت: حاج مصطفی داودی. مردی پنجاه و پنج ساله از خانواده‌ی بسیار محترم و پرجمعیت. در باغ او بود که نطفه «جمعیت ژ.کاف» بسته شده خود او اما یکسال بعد به عضویت جمعیت درآمد.

وزارت دادگستری: ملا حسین مجدی. با سوادترین و نامدارترین روحانی مهاباد. اعتبار و ارزش مذهبی و قضایی او، نشان شایستگی او برای این مقام بود.

وزارت کشاورزی: محمود ولی زاده. جوان‌ترین عضو کابینه. بیست و سه ساله. مدرسه عالی کشاورزی کرج را به پایان برده بود. از خانواده‌های بالای مهاباد و از سال ۱۳۲۲ به عضویت در «جمعیت ژ.کاف» در آمده بود.

افزایش یافته‌اند.

جمهوری مهاباد برای گسترش فرهنگ و زبان کردی تلاش می‌کرد و امیدوار بود تا مهاباد را به مرکزی برای جنبش

فرهنگی و ملی - نظیر سلیمانیه یا سوریه - تبدیل کند. در ابتدا آموزگاران کرد در کلاس‌ها، کتاب‌های درسی فارسی را برای دانش‌آموزان به کردی بازگو می‌کردند. بعدها کتاب‌های آموزشی به کردی چاپ شد.

یک روزنامه و یک ماهنامه سیاسی هر دو بنام «کردستان» و دو مجله عمدتاً فرهنگی بنام‌های «هاوار» (فریاد) و «هلال» به کردی منتشر شدند. همه این نشریات، در چاپخانه‌ای که ارتش سرخ به جمهوری مهاباد هدیه داده بود چاپ می‌شدند. روزولت می‌نویسد: «اهمیتی را که قاضی محمد برای ادبیات و زبان کردی قائل بود می‌توان از این نکته دریافت که در میان کارکنان دفترش دو شاعر جوان، هژار و هیمن بودند که سروده‌هایشان به رگم کمبود کاغذ چاپ و نشر می‌شد. اگر چه این کوشش‌ها در طی عمر کوتاه جمهوری آن اندازه نبود که بتواند مهاباد را به سطح دو مرکز فرهنگی - سلیمانیه و سوریه - که بیست و پنج سال بود زبان و فرهنگ کرد از ادانه در آنها آموخته و نوشته میشد ارتقاء دهد با این همه مهاباد از نظر سیاسی کانونی بود که چشم همه کردان بر آن دوخته شده بود. محافل فرهنگی کردهای بیروت و استانبول و بغداد و همچنین کردهای کوه نشین همه مراقب بودند ببینند آیا جنبش قاضی محمد کامیاب خواهد بود یا ناکامیاب خواهد شد.»

سرانجام دولت مرکزی، علیرغم مقوله نامه‌هایی که بسته بود برای سرکوب جنبش ملی آذربایجان، ارتش شاهنشاهی به همراه اوباش خوانین و ارتجاع محلی را با کمک مستشاران آمریکا و انگلیس اعزام و کشت و کشتار هولناکی به در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان به راه انداخت.

پس از فاجعه آذربایجان ارتش ایران روانه کردستان شد. صدر قاضی برادر قاضی محمد و نماینده مجلس در میان‌دوآب با سرلشکر همایونی دیدار کرد و اعلام کرد: «کردها آماده اند با مسالمت از ارتش ایران استقبال کنند.»

سرلشکر همایونی واحدهای ارتش را به همراه افراد مسلحی از عشایر دهبکری و مامش و منگور به فرماندهی سرهنگ دوم غفاری به مهاباد فرستاد. نماینده قاضی در بیرون شهر جلوی این نیروها را گرفت، به فرمانده نیروها اعلام کرد قرار قاضی محمد با همایونی بر این بوده که واحدهای نظامی وارد شهر شوند و نه عشایر مسلحی که ممکن است موجب آشوب شوند. عشایر بازگردانده شدند. واحدهای ارتشی وارد مهاباد شدند و به عمر یکساله جمهوری مهاباد پایان داده شد.

قاضی محمد و فرماندهان ارتش از یکدیگر دیدار کردند. قاضی محمد برای نجات دیگران از کشت و کشتار، مسئولیت همه اقدامات جمهوری مهاباد را بعهده گرفت. قاضی محمد، سیف قاضی، صدر قاضی و همه اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان و اعضاء کابینه جمهوری مهاباد دستگیر و زندانی شدند. تنها عضو دولت جمهوری مهاباد که از تعرض مصون ماند حاج بابا شیخ بود بخاطر مقام و موقعیت مذهبی‌اش...

قاضی محمد، برادرش صدر قاضی که نماینده مجلس شورای ملی بود و همیشه نقش میانجی و رابط با دولت مرکزی را بعهده گرفته بود و نیز محمد حسین سیف قاضی، در محکمه‌ای نظامی که در مهاباد تشکیل شد محکوم به اعدام شدند و در میدان چوار چرای (چهار چراغ) مهاباد نا جوانمردانه بردار شدند.

بمناسب دوم بهمن.....

هر دسته و گروه و رنگ و نژاد، باز هم دشمن است، بی‌رحم است وجدان ندارد، شما را بجان هم می‌اندازد تا به منافع خود دست یابد، با وعده‌های دروغین، شما را می‌فریبد. از اسماعیل آقا شکاک تا جوهر آقا برادرش و همزه آقا منگور و چندین و چند قهرمان دیگر، فریب این ظالمان ملعون را خوردند و نامردانه به شهادت رسیدند. همه آنها را با قرآن و قسم فریب دادند آخر اینها کی قرآن و قسم حالیشان است، وفا نزد این جماعت، کالای بازار است. در راه خدا و بخاطر او پشت یکدیگر را خالی نکنید و متحد شوید مطمئن باشید اگر دشمن به شما عسل بدهد، آلوده به زهر است. فریب سوگندهای دروغین را نخورید. اگر هزار بار هم به قرآن، سوگند یاد کنند باز هم هدفی جز نابودی شما ندارند. در آخرین ساعات زندگی خود، خدا را شاهد می‌گیرم که در راه آزادی و بختیاری شما جان و مال خود را فدا نمودم و از هیچ تلاشی فروگذار نکردم. نزد ایشان، کرد بودن شما جرم است، سر و جان و مال و ناموس شما نزد آنها حلال است. آنها چون در میدان نبرد نمی‌توانند رو در روی شما بایستند همواره به حيله روی می‌آورند. شاه و ایادی او بارها پیغام فرستادند که برای مذاکره آماده هستند و تمایل به خونریزی ندارند اما من می‌دانستم آنها دروغ می‌گویند. اگر نبود خیانت، خودفروشی و فریب‌خوردگی برخی سران عشایر، جمهوری هرگز شکست نمی‌خورد. وصیت می‌کنم فرزندانان را دانش و علم بیاموزید. ملت ما از دیگر ملل جهان، چیزی کم ندارد الا دانش و علم، دانش بیاموزید تا از کاروان بشریت عقب نمانید. دانش، سلاح نابودی دشمنان است. مطمئن باشید اگر به دو اسلحه اتحاد و دانش مسلح شوید، دشمنان کاری از پیش نخواهند برد. شما نباید با مرگ من و برادران و پسرعموهایم ترسی بدل راه دهید. هنوز قهرمانان بسیاری باید جان فدا کنند تا درخت آزادی کردستان به ثمر بنشیند...»

مردم کردستان و دیگر خلق‌های تحت ستم ایران این همه ساله خاطره این روز را گرامی میدارند. تاریخ معاصر کشورما شاهد مبارزات بسیاری از سوی مردم اقصی نقاط مپهنمان برای رهایی از استبداد و رسیدن به آزادی و عدالت بوده است. بدون تردید جنبش آزادیخواهی مردم کردستان، همواره در راس این مبارزات قرار داشته و دارد. به همین خاطر خلق کرد از احترام خاصی در میان دیگر خلقها و مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی برخوردار است. بی دلیل نیست که قاضی محمد در آخرین لحظات زندگی اش طی وصیتی از همه کردها می‌خواهد تا به راه خود دور از هر لغزشی ادامه دهند. در بخشی از این وصیت نامه آمده است:

«ملت مظلوم، محروم و ستمدیده کرد! برادران عزیزم! در آخرین لحظات زندگی مطالبی را بعنوان نصیحت عرض می‌کنم. بخاطر خدا از دشمنی یکدیگر دست بردارید، متحد شوید و به حمایت یکدیگر برخیزید. در برابر دشمن بایستید، خود را به ثمن بحس به دشمنان نفروشید. دشمن تنها برای دستیابی به منافع خود شما را می‌خواهد. پس از آن شما دیگر تقاله‌ای بیش نیستید. دشمنان ملت کرد بسیارند، ظالماند، لامروت و بی‌وجدانند. رمز سربلندی هر ملتی اتحاد و با هم بودن است. آزادی یک ملت، مستلزم پشتیبانی آحاد ملت است. ملت بدون اتحاد، همواره تحت سلطه خواهد بود. شما ملت کرد چیزی از ملت‌های دیگر کم ندارید، اتفاقاً مردانگی، غیرت و شجاعت شما بسی بیشتر است. ملت‌هایی که از بند اسارت رسته‌اند، متحد بوده‌اند و بس. شما نیز می‌توانید با اتحاد و همبستگی زنجیر اسارت را پاره کنید. حسودی، خیانت و خودفروشی را کنار بگذارید. دیگر فریب دشمنان را نخورید. دشمن ملت کرد از

جنبش اعتراضی ۲۹ بهمن تبریز آغاز فروپاشی رژیم شاهنشاهی



۲۹ بهمن، این جنبش حرکتی ضد استبدادی و آزادیخواهانه بود. نقش و حضور گسترده دانشجویان، کارگران، روشنفکران انقلابی و دیگر اقشار جامعه بخصوص زنان بیانگر خشم و اعتراض به سالها سرکوب و بی حقوقی های سیستماتیک اعمال شده حکومت دیکتاتوری پهلوی بود. که ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و از آنجمله آذربایجان را به ورطه نابودی کشیده بود.

جنبش ها و انقلاباتی که در دهه های گذشته در آذربایجان رخ داده درص ۷

مردم آذربایجان در گذر تاریخ نشان داده اند در مقابل زور، ستم و استبداد مقابله کرده و حاضر به کرنش در مقابل بیگانگان نیستند. انقلاب مشروطیت، قیام ستارخان و باقرخان، قیام شیخ محمد خیابانی، جنبش ۲۱ آذر و قیام ۲۹ بهمن نمونه های بارزی از مبارزات ارزنده و تاثیر گذار مردم آذربایجان می باشد.

در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ مردم تبریز با حرکت توده ای بر علیه حکومت شاهنشاهی، برای اولین بار پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۲۸ باعث شدند تا جو استبدادی و خفقان حاکم بر کشور را بشکنند.

اعتراض مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ پس از کشتار در قم شکل گرفت. رژیم سلطنتی که با خیزش مردم آذربایجان احساس خطر کرده بود، کوشید تا در اذهان عمومی این جنبش را به بیگانه وصل کند. محمد رضا شاه در این ارتباط به خبرنگاران گفت " این افراد از آن طرف مرز آمده اند و می خواهند ایران را ایرانستان کنند". گروه های تنگ نظر مذهبی نیز جنبش گسترده مردم تبریز به کشتار طلبه های قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ وصل کردند و به آن صرفاً جنبه مذهبی دادند. پر واضح بود که هم به لحاظ سابقه تاریخی مبارزاتی مردم آذربایجان و هم به حیث طیف شرکت کنندگان در اعتراضات

جنبش اعتراضی....

داده است، نشان از آگاهی ملی و طبقاتی مردم این منطقه است. تاریخ دهه های گذشته گواه آن است که مبارزه در راه مردم شکستن ساختارهای عقب مانده فئودالی و استبداد حکومتی که مانع جدی در راه پیشرفت و ترقی کشور است. در آذربایجان همواره با نشیب و فرازی ادامه داشته و تا به امروز نیز ادامه دارد. تاثیر و درس آموزی از همین مبارزات است که علیرغم شکست ها باعث دگرگونی عمیق فکری در لایه های اجتماعی می گردد تا در شرایط مناسب به شکل بهتری بروز کند. شکل گیری جنبشهای اجتماعی، تشکیل احزاب و جریانهای مترقی، دمکراتیک با افکار آزادی خواهی و عدالت خواهانه و نیز شکل گیری نهادها و تشکلهای کارگری از تاثیرات ارزنده همین انقلابات و مبارزات نسل های گذشته نشأت می گیرد که هر بار زمینه بروز پیدا می کند نسبت به گذشته پخته تر و عمیق تر عمل می نماید. با نگاهی به دستاوردهای انقلاب مشروطیت می بینیم که جامعه هم به لحاظ ذهنی و هم به لحاظ عینی این آمادگی را داشت تا ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عقب مانده و پوسیده را به نفع مردم تغییر دهد. مشروطه خواهان علیرغم تمام محدودیت ها با تصویب قانون اساسی مشروطه، گام بزرگی در راه تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصاد نوین کشور برداشتند. این تحولات عمیقاً از طرف مردم و بخش بزرگی از روحانیون مورد حمایت قرار گرفته بود. بیگانگان که منافع استعماری خود را در خطر دیده بودند، با کودتای ننگین سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان را سر کار آوردند. با قبضه قدرت توسط رضا خان تحت حمایت انگلیس و ارتجاع داخلی تمامی دست آوردهای مترقی انقلاب مشروطیت که در نتیجه ی مبارزات و جانفشانی هزاران فدائی بر علیه استبداد حاصل شده بود برچیده شد. فضای رعب و وحشت گسترش یافت و زبان آزادیخواهان و معترضین به وضعیت حاکم بریده شد. جنبش آذربایجان برهبری خیابانی، جنبش جنگل برهبری میرزا کوچک خان و سایر جنبشهای و تشکل های کارگری شکل گرفته همگی سرکوب گردید. با تصویب قانون سیاه رضاخانی کمونیستها، آزادیخواهان، روشنفکران و انقلابیون قتل عام شدند. در سایه ی خفقان و سرکوب جنبش های دمکراتیک با یورش به ساختار فرهنگی، پدیده شوم "یک ملت و یک زبان" را تحت لوای باصطلاح «مدرنیته» به اجرا گذاشتند. بعبارتی تنوع زبانی، فرهنگی و ملی را قلع و قمع نمودند. گسترش فقر و فلاکت و هزاران بدبختی و تبدیل شدن جامعه به دو قطب اقلیت سرمایه و زور به رهبری دربار و اکثریت کارگر و زحمتکش و روستایی تبدیل شد. رضا خان علیرغم شعارهایی که علیه خان ها و فئودال ها داده بود خود به بزرگترین فئودال کشور تبدیل شد. وضعیت اسفبار روستائیان و دهقانان، جرم و جنایت اربابان و خوانین، همگی در نتیجه ی چپاول و غارت منابع اقتصادی و مالی، فساد و خودکامگی عریان دستگاه رضاخانی در ۲۰ سال دیکتاتوری وی بود.

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و خلع ید رضا شاه، فضای نسبی برای تشکیل یکسری احزاب که عمده ترین آنها حزب توده ایران بود، بوجو آمد. انتخابات مجلس چهاردهم در آذر ۱۳۲۲ صورت گرفت. پیشه وری که بعنوان نماینده اول تیریز برای قاطع مردم انتخاب شده بود اعتبار نامه اش بواسطه

حضور افرادی که مزدور و حقوق بگیر قدرت های خارجی و مرکز بودند با دسیسه و نیرنگ در مجلس رد شد. پیشه وری بارها در نطق ها و نوشته های خود با تحلیلی که از اوضاع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می داد صراحتاً به این امر مهم که هر گونه تغییر و اصلاح با وجود حکومت وابسته و مزدوران حامی آن و عناصر فرصت طلب ارتجاعی ناممکن و غیر عملی است. پرداخته بود. از اینرو در نطق آتشین خود در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ با برشمردن فساد در قدرت و ثروت حاکمه، دخالت امپریالیستها و درد و رنج مردم که محصول استبداد، سرکوب، اختناق و ارتشاء و یاغیگری حاکمیت وابسته و مزدبگیر آن، با بر شمردن دلایل و اهداف خود از تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان، تاکید می کند، فرقه برای رهایی مردم از یوغ اسارت حکومت خودکامه، کسب آزادی و حقوق دمکراتیک، رفع ستم طبقاتی، ملی و جنسیتی، ایجاد شرایط زندگی انسانی و برابر، پایان بخشیدن به بیعدالتی، نابرابری و ظلم و ستمی که از جانب حکومت وابسته شاه و خوانین و ملاکین که روزگار را بر دهقانان و روستائیان سیاه کرده اند و پایان دادن به هزاران بی حقوقی که در حوضه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مردم آذربایجان تحمیل شده است موجودیت خود را اعلام می کند. پس از قدرت گیری جنبش انقلابی و دمکراتیک آذربایجان در ۲۱ آذر و تأثیر گذاری آن در رشد و آگاهی کارگران، زحمتکشان، دهقانان و بیداری ملی در جامعه ایران، پایه های کاخ فساد شاه و امپریالیسم به لرزه در آمد. یکسال از حکومت فرقه در آذربایجان نگذشته بود که ترس و وحشت این قیام بزرگ و هراس از گسترش عصیان و خشم توده های به تنگ آمده از ظلم و ستم در سراسر ایران برای به زیر کشیدن نظم موجود و پایان دادن به استثمار، استبداد و دیکتاتوری و کسب آزادی و برقراری عدالت، شاه و حامیان آن تحت حمایت آشکار امپریالیسم هار برای نجات خود و حفظ ساختار موجود از طوفان خروش توده ها، در حمله گسترده به آذربایجان با اعدام و تیرباران هزاران فدائی و براه انداختن کشتار وسیع مردم، جنبش را به وحشیانه ترین شکل سرکوب نمودند. با افول جنبش مجدداً سایه سیاه خفقان و دیکتاتوری بر فضای جامعه حاکم گشت. در دوره ۲۷ ماه نخست وزیری مصدق از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ فضای نسبی برای حضور نیروهای سیاسی بوجود آمد اما دیری نپائید که با ملی شدن صنعت نفت و به خطر افتادن منافع صاحبان سرمایه و زور کودتای ننگین ۲۸ مرداد توسط امپریالیسم و ارتش حکومت دست نشانده برای باز گرداندن تاج و تخت و اوضاع به شرایط اسفبار قبلی، حاکمیت شوم خود را با قبضه ی دوباره قدرت و ثروت بر سرنوشت میلیون ها انسان که از بیدادگری حکومت سرمایه و زور در اسارت و فقر و فلاکت و محروم از ساده ترین حقوق انسانی در رنج و عذاب گرفتار بودند، تحمیل نمایند. هر چند دستگاه سرکوب رژیم با اوجگیری هر قیام و خیزش توده ای شنیع تر، وحشیانه تر و عریانتر از گذشته عمل کرده بود. اما برای مبارزه پایانی نبود. رژیم با این خیال که می تواند با سرکوب سیستماتیک و کشتار و زندان و شکنجه، اراده آهنین و قدرت توده ها را مهار و به تمکین و تبعیت از زور و سلطه وادارد، آتش مبارزه را در جان آزادیخواهان و توده های رنج و زحمت شعله ور تر می کرد.

ادامه درص ۸

سرکوب و مهار توده ها نمود تا با بخون کشیدن و سرکوب این قیام و ایجاد رعب و وحشت مجدداً بتواند بر پایه های کاخ استبداد و دیکتاتوری تکیه زند. غافل از اینکه قیام خونین ۲۹ بهمن تبریز جرقه آغاز خیزش سراسری توده های ستمدیده کار و زحمت، آزادیخواهان و انقلابیونی بود که بر علیه حاکمیت سرمایه، ترور و سرکوب شوریده بودند و ندای آزادی و سرنگونی رژیم را فریاد سر می دادند. بعد از قیام ۲۹ بهمن تبریز بود که باشکسته شدن نسبی فضای امنیتی و خفقان و فرو ریختن ترس توده ها بویژه کارگران، زنان و جوانان و دانشجویان، خیزشها و اعتراضات و اعتصابات، گسترده تر و هسته های مبارزاتی مخفی و علنی در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات دولتی و محل های کار و محلات سازمان یافته تر گردید و شعله های مبارزه افروخته تر شد و پس از یک سال مبارزه ی بی امان در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با فروریختن بنیان کاخ ظلم، دیکتاتور سرنگون گردید.

ظلم و ستم و تبعیض و بیعدالتی و بی حقوقی در حوضه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ملی، که توأم با زنجیره ای از برخورد های امنیتی، سرکوب، شکنجه، زندان و کشتار سیستماتیک و سلسله وار در طول بیش از پنج دهه حاکمیت پهلوی از کودتای ننگین سوم اسفند ۱۲۹۹ رضا خان بر توده های آذربایجان و دیگر ملل ایران بخصوص کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان اعمال گردیده بود توانست در قیام ۲۹ بهمن با فریاد خروشان کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان تبریز تبلور پیدا کند. از آنجا که آذربایجان بعنوان مرکز قیام ها و خیزش های آزادیخواهانه، عدالت طلبانه و ضد استبدادی همواره نقطه عطف انقلابات در ایران عمل کرده بود رژیم با آگاهی به این موضوع بلافاصله با تشکیل ستاد بحران، ماشین سرکوب امنیتی- اطلاعاتی خود را روانه خیابانها برای

حقوق زنان در جهان و ایران

شروع شد، در دهه دوم انقلاب به اتحاد و شکل گیری نیروهای مردمی و بخصوص زنان انجامید، در این برهه زنان دست به تشکل های ضد جنگ و ضد اعدا م زدند، از آن جمله میتوان تشکل "مادران پارک لاله" و "کمپین صلح" و "کانون وکلای زن" را در این میان نام برد که "نسرین ستوده" حقوق دان و وکیل شماری از زنان فعال باز داشت شده میباشد. باید خاطر نشان کرد که در جنبش های مترقی همیشه نیروهائی وجود دارند که میکوشند جنبشهای توده ای از جمله جنبش زنان را متوقف سازند، این جنبش هم از برون و هم از درون مورد حمله قرار میگردد. علیه مبارزان صلح و برابری تحریکاتی سازمان داده میشود، و در یک سلسله از کشور های سرمایه داری از جمله میهنمان ایران به نسبت تحکیم نیروها شیوه های مبارزه دشمنان آنها هرچه ظریف تر و خشن تر میگردد. در جنبش زنان در راه صلح و برابری حقوق معمولاً کلمه مترادف با موضع ضد ایدئولوژیکی چه اهمیت حائزی را داراست. اگر ما میخواهیم جنبش موثر باشد، مقابله با کسانیکه میکوشند به وحدت ما زنان وارد آورند حائز اهمیت است. از اینجا چنین نتیجه میشود که گسترده ترین وحدت نیروها بدون مقابله با دروغ، تحریف و جعلیاتی که بمنظور منحرف ساختن ما و ایجاد پراکندگی در صفوف ما شایع میکنند بدست نخواهد آمد. طبق آمار و ارقام سازمان ملل متحد زنان یعنی اکثریت ساکنان سیاره ما، فقط نزدیک به یک سوم سکنه روی زمین را که از لحاظ اقتصادی فعال هستند تشکیل میدهند. هنوز هم در بسیاری از کشورها و همچنین کشورمان ایران تحصیل کردن و یا فقط با سواد شدن، پیدا کردن کار و استفاده از نعمتهای ترقی و پیشرفت اجتماعی اقتصادی برای زنان دشوار تر از مردان است. زنان و کودکان نخستین قربانیان بی دفاع هر گونه در گیری و هر اقدام تجاوزکارانه ای میباشد. سنگین ترین بار پی آمد های سیاست غارت و چپاول امپریالیستی یا توسعه طلبانه- استثمار و استعمار و.... بدوش آنان است.

بهمین سبب است که فعالیت گسترده زنان علیه نا برابری و جنگ با اشتراک توده ای و نمایندگان آنان در پروسه های مبارزات آزادیبخش ملی، مبارزه برای دفاع از حقوق

ادامه درص ۹

اکثر زنان و سازمانهای آنان دارای خواستههای مشترک واحدی میباشد. آنها در راه صلح و علیه جنگ هسته ای، برای بدست آوردن کار، حقوق برابر در مقابل کار برابر در راه ایجاد موسسات تخصصی مورد استفاده همگان برای کودکانی که به سن تحصیلی نرسیده اند، مرخصی با استفاده از حقوق و دستمزد بهنگام بارداری یا بهنگام پرستاری از کودکان بیمار و بخصوص در کشورمان ایران استفاده برابر از تحصیل و ورزش و ازدواج تک همسری و حقوق فرزند خوانده گی حق بیمه زنان خانه دار و حق بیمه طلاق و حق شهادت برابر- آزادی در حجاب- خروج آزادانه به خارج از کشور- حق حضانت از فرزندان حق طلاق- ممانعت از ختنه زنان- آزادی سقط جنین و دهها نا برابری دیگر که یکی از مهمترین آنها نا برابری حقوق "زنان در کار" بخصوص زنان کارگر میباشد. جنبش زنان و کارگری اتفاق نظر دارند که اوضاع وخیم و تورم اقتصادی حاکم در کنار تبعیض های جنسیتی و نابرابری حقوق زنان، وضعیت سخت و دشواری را برای زنان و بخصوص زنان کارگر پدید آورده که بیش از پیش زندگی آنها را تهدید مینماید، زنان کارگر بار سنگین داشتن شغلی با کمترین حقوق و بدون هیچ مزایائی را به همراه درد و رنج و خشونت و آزار های جنسی را بدوش میکشند. یکی از مسائل حقوقی واجبی که در سال ۲۰۱۳ در ایران مطرح شد، حق فرزند خواندگی و اجازه ازدواج با وی میباشد در باره این لایحه نقدی از یک حقوقدان و پژوهشگر دینی و فقهی که با "دو چه بله" داشته مبذور میدارم

آقای اولیائی فرد "نقض هدف" را اشکال حقوقی در این قانون میداند و میگوید هدف از این رابطه ایجاد علاقه پدر و فرزند نیست و هدف این لایحه نیز حمایت از این نوع رابطه است، حال آنکه به نظر او این تبصره هدف پدر و فرزند و لایحه حمایت از کودکان بی سر پرست هردو را مخدوش میکند.

نکته بعدی مورد اماناد اولیائی فرد اشکالی است که در اجرای این قانون وجود دارد و در واقع هیچ نقشی برای فرزند و فرزند خوانده قائل نیست....

این بی قانونی ها که از دهه اول انقلاب همراه با دستگیری های تعداد زیادی از فرزندان خلق و کشتار هزارن مبارز

حقوق زنان....

نظر از تفاوت‌های ایدئولوژیکی به شکل یکپارچه در بدست آوردن خواست‌های مشترکشان به فعالیت مشغول میشوند، در کشورمان ایران "کمپین مادران صلح-مادران پارک لاله - فعالان اجتماعی و همچنین کانونهای وکلای زن و خیلی از موارد دیگر را میتوان نمونه هائی از این قبیل فعالیتها نامید زنائی از قبیل "مریم فیروزها شیرین عبادی ها نسرين ستوده ها شهلا فرجاد ها" و صدها زن مبارز و فعال اجتماعی دیگر در این مبارزات پا بعرضه کار زار گذاشته و میگذارند، و با شجاعت و پایداری حتی تا مجلس شورا اسلامی پا مینهند، تا شاید از نا برابری ها بکاهند و در جبهه متحد مردمی پیوند نا گسستنی خود را صیقل میدهند. تا حقوق خود و مردم خویش را باز گیرند، حقوقی که در حکومت بیداد روز بروز عرصه را بر آنها تنگتر نموده، اما نتوانسته مانع مبارزات پیگیر آنها گردد. این زنان آگاه همدوش مردان زحمتکش و روشنفکر جامعه گام مینهند تا بر دشمنان جاهل و نا مردمی پایانی همیشگی دهند. زیرا این پیروزی است که آنها را به سر منشاء آزادی و برابری های دیگر خواهد رساند.

اقتصادی-سیاسی و اجتماعی خویش و توجه به رفاه و آسایش کودکان و حفظ حقوق مادران ارتباط نزدیکی دارد. یکی از مهمترین وظایف جنبش ماهمبستگی با کسانی است که با امپریالیسم نو و انواع تبعیض مبارزه میکنند. در این کشور ها طیف بزرگ بیکاران را زنان تشکیل میدهند. تبعیض در مزد کار برای زنان برای انحصارهای سرمایه داری، سالانه دهها میلیارد سود و منفعت در بر دارد. در اینگونه کشور ها همچنین در کشور ما ایران تعداد اندکی از زنان در ارگانهای رسمی و دستگاههای دولتی و اداره امور اقتصادی شرکت داده شده اند در این شرایط است که زنان زحمتکش با قاطعیت هرچه بیشتری علیه استثمار، بیداد و ستم اجتماعی و نقض حقوق خود مبارزه میکنند: آنها در اعتصابها شرکت میجویند در تظاهرات اشتراک میورزند و در اتحادیه های کارگری فعالانه کار میکنند. تشکل و سازماندهی دارند، صرف

جنگ برادرانه در اوکراین هرگز!



از حقوق و آزادی های انسانی دانست که سیاست مداران غربی نگران آن هستند که در صورت عدم تحقق خواسته ها دست به تحریم خواهند زد؟ ما کمونیستهای بلاروس بر آنیم که این مسئله ساده ای نیست که براحتی بتوان از آن گذشت و مخالف جنون و ترویج ناهنجاری و فرو پاشی اوکراین و از دست دادن هویت ملی آنها هستیم. ما مخالف دخالت خارجی در امور داخلی کشور مستقل اوکراین می باشیم. حزب کمونیست بلاروس از موضع گیری حزب کمونیست اوکراین مبنی بر راه حل دمکراتیک با شکل یک فراندوم موافق است. زنده باد آینده بهتر برادران اوکراینی! دیوارهای کشور خود را از تجاوز گران حفظ کنید. فراموش نکنیم که میدان اروپای نباید تبدیل به میدان فاشیسم اروپائی گردد. جنگ برادرانه در اوکراین هرگز. بر گردان از سایت حزب کمونیست بلاروس مورخ ۰۴/۰۲/۲۰۱۴

رویدادهای اخیر اوکراین برای هیچ انسان صادق و معقولی بی تفاوت نیست. کمونیست های بلاروس از صمیم قلب نگران از هم گسختگی کشور اوکراین و برادران اسلاویانی خود میباشند و آرزومند حفظ صلح و آرامش در این سرزمین دوست داشتنی دارند. تشدید تشنج های سیاسی در اوکراین، سناریویی تکراری شناخته شده و نمایش "انقلاب رنگین" چنانکه در یوگسلاوی، گرجستان، لیبی، آسیا، شرق میانه، آفریقا بوجود آمده نمونه هائی از این قبیل میباشند. آنها نیکه نظم عمومی را به هم ریخته و خود را وطن پرست و مستقل دانسته اند. می دانند که در این پشت تظاهرات نیروهای خارجی فعالانه دست دارند. گروه های جنگی شبه نظامی و گروه های ناسیونالیستی که از آنها استفاده میشود نشان دهنده قتل عام برنامه ریزی شده امپریالیستی است. و با بودجه خارجی صورت میگیرد دارای استانداردهای دوگانه است. با این تظاهر، عاملین غرب تلاش میکنند با برکت نئوفاشیستها نیروهائی برای سرنگونی دولت مشروع بوجود آورند و با سلاح های تبلیغاتی در خدمت رسانه های غربی که ماسک "تظاهرات مسالمت آمیز" و مبارزه برای "عدالت" را به چهره زده اند. با باند افراط گرایانه فاسد و مزدور پیروان ناسیونالیسم "باندرا" بنام پرچم "دمکراسی" به هرج و مرج و تقسیم کشور می پردازند. با بهم زدن نظم عمومی و تحریکات و وحشی گری و با اهانت به حافظه تاریخی مردم، پرچم قرمز و سیاه و سفید "باندرا" را در ساختمانهای اشغال شده اداری و دولتی بر افراشته اند. آیا این را می توان تظاهرات صلح آمیز نامید؟ خشم شبه نظامیان گستاخ در میدان را - راه مسالمت آمیز و حمایت

نامه مجمع نمایندگان کارگران به ربیعی

کاهش ۶۰ درصدی قدرت خرید کارگران

عید علی کریمی دبیر خانه کارگر قزوین در گفتگو با ایلنا با اشاره به اینکه از هم‌اکنون، در آستانه تصویب مزد سال آینده تورم سال ۹۳ توسط مراجع رسمی پیش‌بینی شده است، گفت: مزد کارگران در اسفندماه برای سال آینده تعیین می‌شود و تورم سال جدید هیچگاه در دستمزد لحاظ نمی‌شود. به این ترتیب مزد کارگران برای سال جدید مطابق تورم سال جدید محاسبه نمی‌شود و کارگران همواره باید به دنبال تورم بدون این فعال کارگری تاکید کرد: باید برای ثابت نگه داشتن وضع معیشت حقوق بگیران، افزایش حقوق آنان را متناسب با افزایش نرخ تورم همان سال در نظر بگیرد، چرا که با افزایش حداقل حقوق کارگران با تورم سال قبل، قدرت خرید آن‌ها روز به روز کاهش می‌یابد.

کریمی افزود: بر اساس گزارش کمیته تلفیق مجلس شورای اسلامی، میانگین افزایش تورم در سال ۹۳، ۳۵ درصد خواهد بود، در اینصورت شورای عالی کار باید طرحی را برای افزایش دستمزد در دست تهیه داشته باشد که براساس آن، حداقل مزد کارگران برای سال آینده مطابق تورم همان سال افزایش یابد.

به گفته این فعال کارگری، در چند سال گذشته، نوسانات بازار ارز، افزایش قیمت کالاهای اساسی و همچنین کاهش میزان تولید در کشور، مشکلات اساسی را در سفره کارگران بوجود آورده است که می‌توان در این راستا به کاهش ۶۰ درصدی قدرت خرید کارگران کشور بویژه در سال ۹۱ اشاره کرد.

او اضافه کرد: این در حالیست پایین بودن دستمزد نیروی مولد اجتماع، علاوه بر کاهش قدرت خرید خانوار کارگری، تأثیرات بسزایی را در میزان و کیفیت تولید داخلی و در نهایت اقتصاد کشور به همراه دارد.

کریمی در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به اینکه باید شرایطی فراهم شود که با اصلاح نظام پولی و مالی کشور خالص در آمد کارگران افزایش یابد، اظهار داشت: دولت منتخب کارگران می‌تواند قبل از پایان سال، به برخی شعارهای انتخاباتی خود در زمینه افزایش حقوق و دستمزد کارگران بر اساس تورم جامعه عمل ببوشاند.

۱۱ میلیون نفر فاقد پوشش بیمه هستند.

نهادهای کارگری مانند "کانون عالی انجمن صنفی"، "مجمع نمایندگان کارگر" و "شورای اسلامی کار" حتی یک درصد از جامعه ۹ میلیون و هفتصد هزار نفری کارگران را پوشش نمی‌دهد!

در جلسه دبیران اجرایی خانه‌های کارگر سراسر کشور (نهم بهمن) که در خانه کارگر شهر ری برگزار شد؛ حسن صادقی معاون دبیر کل خانه کارگر در امور شهرستان‌ها گفت: هدف از برگزاری این جلسه بررسی تغییرات ایجاد شده در وزارت کار و دولت جدید در حوزه ی جامعه ی کارگری است.

وی افزود: ما در تامین اجتماعی و وزارت کار به دنبال سهم خواهی نیستیم بلکه آنچه برای ما مهم است، توفیق نیروهای مرکزی و ستادی این دو نهاد است. عزل و یا نصب مدیران در این سازمان‌ها به ما ارتباطی ندارد اما توقع داریم که این مدیران وظایف خود را به خوبی انجام دهند و در جهت تملیف روابط کار کوشش کنند و سعی کنند که اعتماد از دست رفته

ادامه درص ۱۱

نامه نمایندگان تشکل های رسمی کارگری استان های کشور به وزیر تعاون ، کار و رفاه در مورد تعیین دستمزد کارگران برای سال آتی.

ما خواستار اجرایی شدن وعده رئیس جمهور در ضرورت افزایش دستمزد کارگران به میزان سقوط و کاهش ارزش پول ملی و عینیت بخشی به مفاهیم «کارشایسته و مزد منصفانه» می‌باشیم و نگران شوک تورمی فاز دوم هدفمندی هستیم

به گزارش خبرنگار مهر، هرچه به روزهای پایانی سال نزدیک می‌شویم مباحث پیرامون تعیین دستمزد سال ۹۳ نیز به صورت جدی تر از سوی نمایندگان کارگران مطرح می‌شود. در این بین بازار گمانه زنی ها و نامه نگاری ها با مقامات دولت تدبیر و امید نیز داغ شده است.

در این نامه آمده است: همانگونه که مستحضر می‌باشید و براساس تکلیف قانون مصرح در ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران تعیین و ابلاغ میزان حداقل دستمزد سال ۹۳ کارگردان کشور در دستور کار نهادها و مراجع ذیربط در آن وزارتخانه قرار دارد.

خواستار اجرای دقیق و اکید مفاد ماده ۴۱ قانون کار در ضرورت توجه هم زمان به لحاظ نرخ تورم و تامین معیشت خانوار کارگری برای تعیین نرخ مزد توام با پیش بینی شوک تورمی ناشی از اجرای فاز دوم هدفمندی سازی یارانه ها در سال آینده می‌باشیم.

پیگیری چنین روند و رویکردی بلاشک رافع دغدغه و نگرانی جامعه کارگری و در زمره وعده ها و برنامه های مهم ریاست محترم جمهور در ضرورت افزایش دستمزد کارگران به میزان سقوط و کاهش ارزش پول ملی خواهد بود. به ویژه آنکه بزعم ایشان وجود عامل انسانی در عرضه و تقاضای بازار کار، جایگاه این بازار را نسبت به دیگر بازارهای اصلی همچون بازار کالا، بازار پول و بازار سرمایه در اقتصاد معنا کرده است. از این رو بحث دستمزد به مراتب از مباحث نرخ بهره در بازار پول، نرخ سود در بازار سرمایه و حتی قیمت در بازار کالا پر اهمیت تر است به طوری که بحث دستمزد در کنار موضوع اشتغال دارای ابعاد فراتر از محدوده اقتصاد است. تا جایی که در حوزه های سیاسی و اجتماعی هم مباحث اشتغال و دستمزد از عوامل موثر و تعیین کننده محسوب می‌شوند. به ویژه در نظام های هنجاری و عدالت گرا، ایجاد اشتغال و پرداخت دستمزد مناسب، همواره به عنوان راهبردهای مهم در جهت رفع فقر و گسترش عدالت مورد توجه و تاکید بوده است.

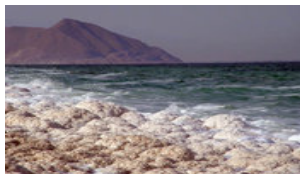
در این نامه ترکیب شورای تعیین مزد (شورای عالی کار) را نا عادلانه و بر علیه منافع کارگران دانسته اند و خواهان تغییر اعضای آن شده اند.

قابل توجه است که از ترکیب ۱۱ نفره شورای تعیین مزد تنها سه نفر بعنوان نماینده کارگران حضور دارند. و با وجودی که تشکل های مستقل کارگری اجازه فعالیت ندارند. انتخاب ۳ نفر بعنوان نماینده کارگران نیز مورد تأیید همه کارگران کشور نبوده و تجربه سالهای قبل نشان داد که دولت سعی می‌کند در انتخاب این افراد نیز دخالت داشته باشد. در همین ارتباط کارگران ایران انتظار دارند که دولت یازدهم نگاه خود را به روابط کار و کارگر تغییر دهد.

نامه مجمع...

یک درصد از جامعه ۹ میلیون و هفتصد هزار نفری کارگران را هم شامل نمی‌شود که باعث تاسف است. صادقی افزود: ما باید مدیران را به کار گروهی و شکل‌گیری نهادهای مدنی دعوت کنیم و دوباره به دوران اواخر دهه هشتاد برگردیم و خواستار این مساله هستیم که وزارت کار فقط یک ناظر در انتخابات شوراها باشد و در آن دخالت نکند. معاون دبیر کل خانه کارگر در ادامه گفت: در مناظره‌ای که در مورد دستمزد داشتیم، هدفمان این بود که خط فقر، و خط فقر مطلق و خط گرسنگی را تبیین کنیم و بگوییم که بسیاری از کارگران ما با کار در چند نوبت به سختی می‌توانند زندگی خود را بگذرانند. آمارها نشان می‌دهد که حداقل دستمزد از نرخ رشد تورم، ۶۷ درصد کمتر است. وی ادامه داد: ما باید با حضور همه تشکلهای کارگری جلسه‌ای داشته باشیم و در مورد مزد صحبت کنیم به نظر ما مزد ترفیقی می‌تواند میزان تورم واقعی را پوشش دهد و همینطور ترجیح می‌دهیم که به سمت اجرا بی‌شدن بند دو ماده ۴۱ قانون کار برویم که در واقع بخشی از مزد به صورت غیر نقدی به جامعه کارگری داده شود. صادقی در پایان افزود: همچنین کارفرمایان دولتی و خصوصی بدهی‌هایی را به جامعه کارگری دارند که ما از دولت می‌خواهیم این معوقات را به رسمیت بشناسد؛ تا بتوانیم بر سر مکانیزم پرداخت آن صحبت کنیم.

را باز گردانند. معاون دبیر کل خانه کارگر ادامه داد: ما معتقدیم که در حوزه بیمه کارهای زیادی بر زمین مانده است. برای نمونه مشخص شده که یازده میلیون نفر فاقد پوشش بیمه‌ای هستند که باید با تعامل در جهت رفع این مشکلات اقدام کنیم. در جلساتی که در قالب کمیته درمان برگزار می‌شود و ما هم دعوت شده‌ایم مباحثات مربوط به بیمه سلامت پیگیری می‌شود. در اکثر بخشهای حوزه بیمه سلامت، مدیریت بر عهده پزشکان است و آن‌ها نیز در جهت منافع کارگران عمل نمی‌کنند. در حالی که علم مدیریت، علمی مجزا است و در همه دنیا مدیریت این حوزه‌ها به صورت هیات امنایی و هیات مدیره ای اداره می‌شود. صادقی گفت: مشکل ما در حوزه درمان، مربوط به منابع نیست؛ بلکه به دلیل سوء مدیریت در این بخش است. برای نمونه در برخی از مناطق کشور مانند زابل با پول کارگران و مردم بیمارستان ساخته و تجهیز کرده‌اند اما در آن بسته است و از آن بهره برداری نمی‌شود. وی ادامه داد: مشکل دیگر جامعه کارگری، مربوط به حوزه روابط کار است که اکنون سه نهاد کارگری در این زمینه فعالیت می‌کنند: کانون عالی انجمن صنفی، مجمع نمایندگان کارگر و شورای اسلامی کار، که مجموع اعضای این سه نهاد



تراز آب دریاچه ارومیه ۸۰ درصد زیر سطح استاندارد است.

عملکرد مدیریتی دستگاه‌های مختلف اعم از وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان حفاظت محیط زیست و همچنین اقدامات بخش خصوصی نیز در به وجود آمدن این ضایعه نقش بسیاری داشته است.

قصریانی با بیان اینکه برای حل مشکل دریاچه ارومیه باید به سمت مدیریت چندگانه پیش برویم، افزود: باید به گونه‌ای عمل کنیم که همه سازمان‌ها در قبال احیای دریاچه ارومیه احساس مسئولیت کنند و هر بخشی وظایف خود را به خوبی انجام دهد. وی تعیین دکتر کلانتری به عنوان رئیس کمیته احیای دریاچه ارومیه را بهترین اقدام انجام شده در حال حاضر دانست و افزود: با صدور این حکم، مدیریت جامعی برای حل معضل دریاچه ارومیه خواهیم داشت. مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص ورود کارشناسان ژاپنی، آلمانی و هلندی به کشور برای حل بحران دریاچه ارومیه و این گفته که کارشناسان داخلی نمی‌توانند به تنهایی برای حل دریاچه ارومیه اقدام کنند، افزود: در کشور دانش کافی برای احیای این تالاب وجود دارد اما اقدامات اجرایی باید به گونه‌ای انجام شود که با یکدیگر همسو بوده و به بهبود وضعیت این تالاب بینجامد. وی ادامه داد: خوشبختانه در استان‌های همجوار دریاچه ارومیه، کمیته‌های جامعی زیر نظر استانداری‌ها، مسئولیت‌ها را قبول کرده و کمیته‌هایی برای آغاز عملیات اجرایی تشکیل شده است که امیدواریم هر چه زودتر به نتیجه برسند. قصریانی با بیان اینکه برنامه احیای دریاچه ارومیه حداقل یک برنامه پنج ساله است، افزود: امیدواریم بتوانیم با راهکارهایی که در اختیار کمیته احیای دریاچه ارومیه قرار گرفته، هر چه سریعتر این تالاب را به وضع قبلی‌اش بازگردانیم.

مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست گفت: تراز آب دریاچه ارومیه ۸۰ درصد زیر سطح استاندارد است. اینستا: فرهنگ قصریانی با اشاره به بارش برف شدید در منطقه، اظهار کرد: ضایعه‌ای که برای دریاچه ارومیه پیش آمده در عرض یک سال به وجود نیامده که با این بارش‌ها حل شود. وی ادامه داد: علاوه بر خشکسالی‌های اخیر که یکی از دلایل خشکیدگی پارک ملی ارومیه محسوب می‌شود، عملکرد مدیریتی دستگاه‌های مختلف اعم از وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان حفاظت محیط زیست و همچنین اقدامات بخش خصوصی نیز در به وجود آمدن این ضایعه نقش بسیاری داشته است؛ به گونه‌ای که با وجود ۱۵ سال کمبود بارندگی در حوزه آبخیز دریاچه، فشار دام، بهره‌برداری کشاورزی، حفر چاه‌های غیرمجاز و احداث جاده میان‌گذر شهید کلانتری که جریان طبیعی دریاچه را به هم زده است، شرایط را به مرز بحران رسانده است. مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه با این بارش‌ها، وضع دریاچه تنها به صورت موقت بهبود پیدا می‌کند، افزود: بعید می‌دانم با وجود بارش‌های فعلی، بتوانیم تالاب پایداری را در حوزه آبخیز ارومیه داشته باشیم.

بیوک آقا شکورزاده مراغه ای هنرمند بنام خلق آذربایجان درگذشت



**خاکساران جهان را تو به حقارت منگر
توجه دانی که در این گرد سواری باشد**

بیوک آقا شکورزاده مراغه ای بیش از هشتاد سال عمر دارد و از ده سالگی تار نواخته است، تاری که گاه نواختن چنان در اغوشش جای میگیرد که نمیتوان میان این دو تمایزی قائل شد، عاشق و معشوق به یگانگی میرسند و عشق نغمه ها آغاز میکند... آروز هم در باغی دنج و دلنواز به انتظار نشستیم تا بیاید و آمد. بر روی تختی چوبی نشست و مطربی آغاز کرد «تاکه عشقت مطربی آغاز کرد» گاه چنگم گاه تارم روز و شب. او برآستی بداهه مینواخت در آن و در لحظه بی هیچ تکرار و تکلفی و دستان نحیفش چنان با سرعت بر سیم های ساز فرود میامدند که جز موج مضرابها و نغمه ها هیچ نمیدیدیم و اشکی که در این غم سالها و ماهها پرده داری میکرد و از حد و جهان ندیدم.

به حال این پیر چنگی غیظه ها خوردم، بزرگا مردی که علیرغم نامرادیهای روزگار و واستاندن همسر و کودکی خردسال از او، همچنان با آن میسازد و صبوری پیشه میکند. شیدایی ما «بیوک آقا» آنچنان که خود مینوآورد و میخواهد میزد و در قید هیچ بندی نبود و تنها تعلق خاطر او کتابچه ای از رباعیات خیام است که همراه با خود همراه دارد و هر ازگاه ابیاتی از آن بر لب جاری میسازد «خیام اگر زباده مستی خوش باش» او همانگونه که دوست میدارد گاهی اوقات کفشهای لنگه به لنگه بپوشد، یا دمپایی و یا در کنسرت نکوداشتش جورابها را بر روی شلوار خود بکشد و از کنش بعنوان زیرانداز استفاده کند و یا هر جا که دوست دارد می خواهد بخسبد و بنشیند، چه در ایستگاه راه آهن یا راهروی یک حمام قدیمی و یا اتاقکی کوچک در یک مغازه عکاسی؛ همانگونه نیز بی هیچ آداب و ترتیبی مینوازد و میخواند با تسلطی شگرف بر موسیقی ردیف ایرانی و مقامات آذری «برآستی در لحظه و بداهه میخواند» ای گل محمدی من تشنه بوبیدن تو هستم، چنانکه زمین خشک تشنه باران !!!

درعین حال و در همه حال با بزرگ منشی مثال زدن اش کاملا متوجه مهمانانش که از دور و نزدیک و حتی کشورهای دیگر به دیدنش میایند نیز هست و برای پذیرایی و آسایش ایشان به اطرافیان خود گوشزد میکند.

این روح ساده اما بلند و نجیب و آزاده، آروز چنان آتشی در دلم افروخت که روزهاست از او دور شدم اما بجزرات میگویم شاید تا مدتها نمیتوانم و نمیخواهم که نغمه و ساز دیگری بشنوم.

بیوک آقا شکورزاده مراغه ای نوازنده بنام آذربایجانی که او را شیدای زمانه نیز گفته اند، بدلیل نا رسایی کلیه در 28 دیماه 1392 در سن ۸۰ سالگی در بیمارستانی در همین شهر در گذشت. این نوازنده چیره دست و بزرگ تار مانند بسیاری از هنرمندان و صاحبان فکر و اندیشه در تنگدستی و مهجوریت زندگی کرد. غمی در دل داشت که به هیچ کس نگفت. تنها دوست صمیمیش یک سازنده تار در مراغه بود. سال ۱۳۷۲ علیرضا انصاریان مستندی از زندگی بیوک آقا به نام "زخمه بر زخم" می سازد که این مستند برای اولین بار نام بیوک آقا را در خارج از شهر مراغه مطرح می کند و پس از آن هنرمندان مطرح داخلی و خارجی برای دیداش به مراغه سفر میکنند. استاد محمدرضا شجریان هم در ۱۸ شهریور ۱۳۸۹ در نامه ای برای بیوک آقا چنین نوشت:

**هنرمند دلسوخته و عزیز، جناب بیوک آقا شکوری مراغه ای
فرهادوار در شهر و بیابان به دنبال معشوقیت که انسانیت
بود گشتی و کمتر یافتی. اما در گوشه تنهایی بود که به
گنجینه وجود خودت رسیدی که بی همتاست. بدان هستند
هنردوستانی که گنج هنر را در ویرانسرای دل های
هنرمندانی چون تو می جویند و پیدا می کنند. بی نیازی،
پاکی، ساده دلی و هنر عمر به پایش سوخته تو ستودنی
است و تقدیر می شود، سلامت و سرفراز باشید.**

احترام صمیمانه مرا بپذیرید ۱۸ شهریور ۱۳۸۹
شایان ذکر است که در تاریخ های ۱۶ و ۱۷ تیرماه سال ۱۳۹۱ کنسرت بیوک آقا با همراهی احمد آذربیرا در حضور همایون شجریان و با استقبال دوستداران این هنرمند در شهر مراغه برگزار شد.

مجید پازوکی از دیدارش با بیوک آقا می نویسد:

حوالی ایستگاه راه آهن مراغه در یک حمام قدیمی او را یافتیم، میگفتند یکی از پاتوقهایش اینجاست. خمیده قامت و در خود فرو رفته و نهان از چشم آشنا و غیر گویی غم همه عالم را یکجا در نگاه مبهوت اما نافذش نهفته داشت. وقتی بر دستان تکیده و پر شکنجش بوسه زدم همانگونه که بر نقطه ای نامعلوم بر روی زمین خیره شده بود از زیر پلکهای متورم خود نگاهی بمن انداخت و کلماتی نامفهوم و گنگ بر زبان آورد، دعاگونه و یا دعوتی برای همراه شدن با او در غذای ساده ای که میخورد و قراری برای عصر همانروز که برآیمان بنوازد که نه، معجزه کند!

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن



باعث بهبود شرایط استفاده گیاهان از کودها شده و ثمره اقتصادی استعمال کودهای مختلف را زیاده‌تر خواهد کرد. ناگفته نماند که خاکهای مختلف با کیفیت ژنتیکی متفاوت و بطور کلی اکوسیستم باید بطور فردی شناسایی گردد. در شرایط کنونی توسعه کشاورزی و تطبیق شیوه های معاصر در تولید کشاورزی، مسئله کم استفاده کردن از کودها مطرح نیست بلکه مسئله در تعیین دقیق مقدار ضروری کودها برای گیاهان مختلف و مقدار اپتیمم آنها است. باید گفت که مواد مختلف غذایی گیاهان هر یک دارای خصوصیات فردی آگرواکولوژیکی می باشند. لذا این مواد باید بطور فردی بررسی و ارزیابی شوند. در ضمن این ضرورت هم پیش می آید که اصل ساسی مقدار اپتیمم کودهای برای گیاهان مختلف شناسایی شود.

ازدیاد سریع جمعیت کشور تا آخر قرن بیستم و احتیاج فزاینده به مواد غذایی در سالهای آینده ضرورت ازدیاد چندین برابر مواد غذایی را به پیش می کشد. اراضی زیر کشت کشاورزی کشور میزان متوسط حاصلخیزی و سطح تولید کنونی قادر به تأمین مواد غذایی برای اهالی کشور نیست. لذا افزایش عملکرد محصول در واحد سطح، بالا بردن درجه حاصلخیزی خاکهای کشاورزی، تطبیق تمهیدات علمی در درجه اول اهمیت قرار می گیرد. باید گفته شود که تنظیم سیستم دقیق تغذیه گیاهان کشاورزی باید در صدر اقدامات آگروتکنیکی قرار گیرد. تطبیق سیستم تغذیه گیاهان کشاورزی هم باعث ازدیاد محصول می شود و هم حاصلخیزی زمینهای زیر کشت را تقویت می نماید. در تقویت حاصلخیزی زمینهای زیر کشت غیر از کودهای شیمیایی عوامل بیولوژیک هم بسیار موثر می باشند. در کشورهای با سیستم کشاورزی مترقی یکی از پروبلم های مهم کشاورزی تنظیم پایه های بیولوژیکی ازدیاد حاصلخیزی خاکهای می باشد. بطوریکه در بالا گفته شد مواد شناسایی، کودها، سموم با اهمیت زیادی که در ازدیاد محصول کشاورزی و تقویت حاصلخیزی خاکها دارند ولی باعث آلودگی محیط زیست هم می گردند که پیامدهای بسیار مضر را در بردارند. لذا توسل به شیوه های بیولوژیکی ازدیاد حاصلخیزی که آلودگی محیط زیست را در نداشته و به ذخایر و منابع طبیعی ضرری نمی رساند نظر دقت متخصصین و دست اندر کاران را بخود جلب نموده است. تطبیق علمی شیوه های بیولوژیکی هم باعث ازدیاد محصولات کشاورزی می گردد و هم درجه حاصلخیزی زمین های زیر کشت را بالا می

ادامه درص ۱۴

بخش سوم

در دوشماره قبلی روزنامه آذربایجان بخش هایی از پرسش و پاسخ پر اهمیت با دکتر پروفسور بهروز شکوریبه اطلاع شما رسید. شما را با قسمتی دیگر از این پرسش و پاسخ آشنا می کنیم:

سوال: استاد با توجه به اینکه عوامل بیولوژیکی در تشکیل خاکها اهمیت اساسی دارد لطفاً در باره نقش عوامل بیولوژیکی در حاصلخیزی خاکها نظرتان را بفرمائید.

توسعه سریع علمی و فنی کشاورزی و پیشرفت کشاورزی سنتی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس تطبیق شیوه های معاصر کشاورزی و استفاده از کودهای شیمیایی و مواد سمی برای مبارزه با آفات و بیماریهای گیاهی میسر گردیده است. سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران در زمینه تحقق بحشیدن به طرح های خودکفائی در سالهای آینده تأمین ارزاق و فرآورده های کشاورزی برای اهالی در حال ازدیاد سریع کشور بر اساس کشاورزی سنتی و شیوه های توسعه فشرده آن منطبق می باشد.

در حال حاضر ازدیاد فرآورده های کشاورزی دو راه حل اساسی دارد:

۱- توسعه (گسترده) extensive

۲- توسعه (فشرده) intensive

توسعه کشاورزی معاصر با شیوه های توسعه گسترده (ازدیاد مزارع و وارد کردن زمینهای بایر زیادی به تولید کشاورزی) در شرایطی که احتیاج به زمینهای بایر در تولید کشاورزی با سرمایه گذاریهای هنگفتی همراه می باشد امکان پذیر نیست. لذا بهترین راه حل تأمین فرآورده های کشاورزی و خودکفائی کشور، استفاده از راه حل های توسعه فشرده کشاورزی است. بدین ترتیب توسعه کشاورزی بر اساس ازدیاد حاصلخیزی زمین، ایجاد سیستم تغذیه مناسب گیاهان، تطبیق علمی کودهای حیوانی و شیمیایی و سموم مبارزه با امراض و آفات میسر خواهد شد. این شیوه هم امروز و هم در آینده عامل اصلی پیشرفت کشاورزی خواهد بود. باید صریحاً اظهار نمود که در سالهای گذشته در ممالک مختلف جهان تجسسات بنیادی علمی در استفاده از کودهای شیمیایی به منظور ازدیاد محصول و بهبود کیفیت آن و همچنین از سموم برای مبارزه با آفات و بیماریهای گیاهی انجام گرفته و اهمیت تطبیق این شیوه ها در تولید و ازدیاد محصولات و بهبود کیفیت آنها در کشاورزی گوشزد گردیده است. در این بین تجسساتی هم انجام گرفته که بیانگر نتایج منفی استعمال کودهای شیمیایی و سموم در کشاورزی که ناشی از مصرف بی رویه و غیر علمی مواد شیمیایی بوده و خسارات بزرگی به محیط زیست و اکوسیستم در مجموع وارد کرده است.

نتایج تجسسات و تحقیقات علمی سالهای گذشته، تجربیات کشاورزی نشان داده که اگر در مصرف مواد شیمیایی تکنولوژی علمی رعایت نگردیده زیانهای زیادی به منابع طبیعی و محیط زیست وارد می آید (آلودگی فضا، منابع طبیعی، آبی، تضعیف پتانسیل حاصلخیزی زمین و خواص اساسی آن، بی کیفیتی محصولات کشاورزی و غیره) که تأثیر منفی در زندگی انسانها و حیوانات خواهد داشت. تجربیات پیشرفته کشاورزی و موفقیت های علم معاصر شیمی کشاورزی نشان می دهد که رعایت تکنولوژی علمی در استعمال فزاینده کودهای شیمیایی و مواد سمی در کشاورزی

مسائل حاد....

برد. حاصلخیزی خاکها در مدت زمان تحت تأثیر عوامل طبیعی و پیچیده آنتروپوژن بعمل می آید. در بین این عوامل فعالیت میکروبیولوژیکی خاکها از اهمیت زیادی برخوردار بوده و یک عامل تعیین کننده محسوب می گردد. لذا در تطبیق شیوه های آگروتکنیکی و سایر تدابیر به زراعی، پتانسیل میکروبیولوژیکی خاکها باید در نظر گرفته شود.

در شرایط کشاورزی توسعه فشرده از کودهای شیمیایی با خصوصیات مختلف سوم برای مبارزه با آفات و بیماریها و علفهای هرزه، سیستم تناوب اختصاص، اصلاح خاک و غیره بطور وسیع تطبیق می گردد که تأثیر بزرگی در خاک دارند و باعث تغییر شرایط موجود اکولوژیکی می گردند. این تغییرات اکولوژیکی تأثیر بزرگی در فعالیت و تجمع میکروارگانیسم و بطور کلی در فعالیت بیولوژیکی خاک می گذارد. سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع به منظور استفاده مجدد آنها در کشت یکی از حوادث فاجعه آمیز و یک تراژیک برای محیط زیست می باشند. بطوریکه هنگام سوزاندن بقایای گیاهی تمام موجودات زنده در خاک را از بین می برند. در حالیکه این موجودات مصدر پرورش های عظیمی هستند. میکروارگانیسم ها (بر طبق تجسسات دراز مدت مان معین گردیده که در یک گرم خاک با خواص مختلف ژنتیکی و سابقه استفاده در تولید کشاورزی از ۵ تا ۱۸ میلیون باکتری، قارچهای میکروسکوپیکی و آکتینومیست ها موجودند) پرورش تولید هوموس و فعالیت آنزیمی، بیولوژیکی، جذب ازت مولکولار از فضا و تبدیل آن به ازت بیولوژیک و ده ها پرورش را اداره می کنند، گرمهای خاکی و سایر موجودات در تولید خاک تأثیر زیادی دارند. تمام این موجودات به مقدار زیادی انرژی خورشیدی را در بدن خود متمرکز کرده به انرژی بیولوژیکی تبدیل می نمایند و آنها را در پرورش های بیوشیمیایی مصرف می نمایند.

یکی از عوامل بسیار مهم حاصلخیزی خاک که عامل تعیین کننده محصول دهی آن محسوب می شود. مواد آلی بخصوص هوموس خاک می باشد و با استفاده دائم و در اکثر موارد بدون تقویت مواد آلی خاکها قدرت حاصلخیزی آنها بشدت تضعیف می گردد. لذا تقویت مواد آلی و هوموس در خاک یکی از وظایف اساس علم کشاورزی معاصر می باشد. در کشورهای با کشاورزی مدرن تقویت خاک از نظر مواد آلی در صدر برنامه های خاکسازي قرار دارد. باید در نظر داشت که هوموس خاک مخزن بزرگ انرژی خورشیدی است.

یکی از علل تضعیف پتانسیل هوموس خاک فرسایش می باشد. فرسایش قشر بالا و هوموس خاک را داغون کرده از بین می برد و بدین ترتیب هوموس که در تولید آن، طبیعت شیوه های پیچیده را بکار برده و در فاصله زمانی بعمل آورده بر اثر یکی سیلاب و رواناب از بین می رود. بر طبق محاسبات ما در اثر فرسایش متوسط در ۱۰ سانتیمتری خاکهای با خواص مختلف ژنتیکی ضایعات هوموس از ۲۰ تا ۱۵۰ تن و ازت از ۲ تا ۱۰ تن در هکتار می باشد. هوموس خاک با میکروالمانها و سایر المانهای با اهمیت فیزیولوژیکی ترکیب آلی - فلز ایجاد می کند که مواد غذایی را ذخیره کرده و در دسترس گیاه می گذارد لذا نابودی هوموس بمثابه نابودی محیط غذایی هم محسوب می گردد. بر طبق آمارهای علمی در خاکهای ایالات متحده آمریکا و کانادا از ۳۵ تا ۴۰ درصد ذخیره هوموس آنها

فتوسنتز می باشد که لطمه بزرگی به تولید مواد آلی در بیوسفر می زند. با در نظر گرفتن موارد ذکر شده تولید هوموس در خاک یک پرورش پیچیده آنزیمی است که با شرکت مستقیم میکروارگانیسم ها انجام می گردد. لذا تنظیم و سالم سازی محیط زیست این موجودات میکروسکوپیکی، متشکل کردن گروه های میکروبی بر اثر تطبیق تدابیر آگروتکنیکی فیتوملیوراتیف، تأثیر بزرگی در تمام مواعیل تولید هوموس خواهد گذاشت و تغییرات بنیادی مواد آلی را در پی خواهد داشت و این به نوبه خود، تولید هوموس را تسریع خواهد کرد. بدین ترتیب هنگام تطبیق شیوه های مترقی کشاورزی در تولید پایه های بیولوژیکی استعمال کودهای شیمیایی، روش های آمده کردن خاک، اصلاح شیمیایی خاکها و سایر و تدابیر را باید ارائه داد. در نظر داشت باید مراقب بود که در تمام اقدامات به زراعی بالائی بدون کمبود هوموس در خاک تأمین گردد. یکی از عوامل موثر تنظیم پرورش هومیفیکاسیون در خاک شخم عمیقی پاییزی است. تجسسات سالهای گذشته نشان داد که شخم های عمیق پاییزی که منجر به برگرداندن طبقه بالا خاک می گردد فعالیت میکروبیولوژیکی خاک تقویت می کند. در این شرایط بخصوص گروه های باکتری، قارچها و میکروبهای تولید کننده سلولز فعالتر شده از دیدشان بر مراتب بالا می رود و بسرعت تکثیر می گردند و تجزیه مواد آلی تازه هم بسرعت انجام می گیرد. در این شرایط درجه هومیفیکاسیون مواد آلی تقلیل می یابد. سرعت تجزیه مواد آلی تازه خاک کمبود آن، میکروارگانیسم های خاک را مجبور به تجزیه ترکیب هوموس خاک می نماید. در چنین شرایطی در ترکیب گروه های میکروارگانیسم ها نوع های مخصوص از جمله *Noerardia Bacteriderma Artrolastoz*، و غیره زیادتر می شوند. این گروه های امکان اکسید کردن آنزیمی ترکیب های نسبتاً مهم آراماتیک مولکولهای هوموس را دارا می باشند که در نتیجه منجر به تغییر معکوس اساسی آنها می گردد. در نقاطی که شخم های سطحی بدون برگرداندن طبقه فوقانی انجام می گیرد فعالیت بیولوژیکی خاک تضعیف می گردد در جمعیت میکروارگانیسم ها گروه باکتری های فاکولتاتیو غیر هوازی تقویت می گردند. در این شرایط تجزیه مواد آلی تازه تضعیف شده و درجه میفیکاسیون آن از دید می یابد.

در تولید هوموس خاک و تنظیم آن کودهای ازتی رل بزرگی را دارند. در نتیجه تطبیق کودهای ازتی بخصوص در صورتیکه مقدار آن زیاد باشد درجه هومیفیکاسیون بقایای گیاهی تضعیف می گردد و در خاک تعداد باکتری به مراتب کمتر شده در عوض گروه آکتینومیست ها و قارچ ها زیادتر و فعالتر می شوند.

در شرایط استعمال به مقدار زیاد کودهای ازتی میکروارگانیسم ها کاربن بقایای کم دوام مواد آلی را (شکرهای ساده، سلولز و غیره) کاملاً جذب می کنند. بدین ترتیب بهترین اپتیمم کودهای ازتی برای تولید هوموس ۹۰-۱۲۰ کیلوگرم می باشد. یکی از عوامل موثر در پرورش هومیفیکاسیون بقایای مواد آلی تازه pH می باشد. خنثی کردن محیط اسیدی شدید تأثیر مثبت در توسعه فعالیت میکروارگانیسم های ساپروفیت دارد. در این شرایط هومیفیکاسیون بقایای گیاهی ۱۵-۳۵ درصد ازدیاد می یابد.

ادامه درص ۱۵

مسائل حاد....

کل باکتری ها را تشکیل میدهند و مقدارشان در خاکهای با خصوصیات ژنتیک مختلف عینی نمی باشند.

یکی از منابع مهم غذائی تأمین گیاهان کشاورزی ازت بیولوژیکی می باشد. بطوریکه میدانیم در ترکیب اتمسفر ۷۸ درصد ازت موجود است که مستقیماً نمی تواند از طرف گیاه جذب گردد. این ذخیره عظیم ازت فقط به وسیله میکروارگانیسم ها جذب کننده ازت از جمله از تو باکتر اسپروژیلوس به پنیسیلیوم و غیره می تواند جذب شده بدین ترتیب ازت مولکولار به ازت بیولوژیکی تبدیل شده و در

اختیار گیاهان گذشته شود. باید گفته شود کمبود کودهای ازتی در تمام جهان موجود بوده و صنایع موجود نمی تواند به مقدار کافی ازت در اختیار کشاورزی بگذارد. ناگفته نماند که صنایع ازتی جهان امروز قادر است فقط ۱/۳ احتیاج کشاورزی را تأمین نماید. جذب ازت اتمسفر و بکار گرفتن آن از طرف گیاهان برتری زیاد نسبت به کودهای ازتی دارد. در درجه اول مزارع و حوضه های آبی از کثافت نیتراتی مصون می ماند، ثانیاً به مقدار زیادی به انرژی و مصالح که برای تولید کود لازم می باشد قناعت می شود. ثالثاً وجود ازت بیولوژیکی در خاک شرایط غذائی میکروارگانیسم ها بهبود می بخشد و حاصلخیزی خاک ها را تقویت می نماید.

امروز معین گردیده که باکتری های جذب کننده ازت سالانه از ۸ تا ۱۰ میلیون تن ازت اختیار ما می گذارند. به منظور تقویت باکتری های جذب کننده ازت، کودهای باکتریال تولید می گردد. این کودهای بنیه میکروبیولوژیکی خاک را تقویت کرده و پتانسیل بیولوژیکی خاک را ازدیاد می دهند.

بدین ترتیب کشاورزی قرن بیست و یکم باید با شیوه توسعه فشرده پیش رو در پیشرفت های علمی در رشته های مختلف علم کشاورزی در کار تولید بکار گرفته شود. بالا بردن سطح حاصلخیزی زمینهای زیر کشت چه در شرایط دیم و چه در شرایط آبیاری باید در مصدر برنامه های بهسازی خاک های قرار گیرد.

استفاده از کودهای شیمیائی، حیوانی، میکروالمانها، شیوه های بیولوژیکی مبارزه با آفات ها و امراض، کودهای سبز و باکتریال با در نظر گرفتن بنیه حاصلخیزی خاک ها و خصوصیات ژنتیکی آنها تطبیق گردد. باید در نظر داشت که در تمام این موارد مسائل محیط زیست دقیقاً باید زیر نظر گرفته شود. هیچ بهانه ای نمی تواند امکان حتی جزئی خرابی محیط زیست را به مقامی بدهد زیرا طبیعت و منابع آن متعلق به ملت ما است و ما موظفیم در محافظت آن کوشیده و این امانت را به نسل آینده تحویل دهیم.

ازدیاد غلظت کاتیون کلسیم در محلول خاک مقدار هومین رادر ترکیب هوموس بالا می برد. باید گفت که اسیدهای هومین در بالا بردن سطح حاصلخیزی خاک بسیار موثر می باشند. در تقویت پروسه میکروبیولوژیکی تولید هوموس خاک، کشت گیاهان علوفه ای مانند یونجه، شبدر و غیره بسیار مفید می باشند. توسعه فعالیت میکروبیولوژیکی تنظیم رطوبت خاک و میزان ۶۵-۷۵ درصد گنجایش خاک بسیار موثر می باشد. تطبیق تناوب در کشاورزی بخصوص در مناطقی که تولید کشاورزی رونق زیاد دارد یکی از عوامل موثر سالم سازی خاک بشمار می رود و در توسعه فعالیت میکروارگانیسم ها موثر می باشد. در شرایط فقدان تناوب در کشاورزی و در مزارع دائمی کشت گندم، فعالیت باکتری های جذب کننده ازت بشدت تضعیف می گردد که نتیجه تجزیه بقایای مواد آلی بکند انجام می گیرد. این وضع به ازدیاد باکتری هائی که کمتر آنزیم تولید می کنند منجر می شود که در نتیجه پروسه نیترات سازی، تجزیه سلولز در خاک تضعیف می شود که به خستگی خاک می انجامد. در شرایط تناوب موارد ذکر شده در بالا خنثی می گردد و شرایط عادی برای فعالیت میکروبیولوژیکی به وجود می آید. تطبیق کودهای سبز در مزارع زیر کشت نیز فعالیت میکروبیولوژیکی خاک را تقویت نموده پروسه های تجزیه مواد آلی سنتز هوموس را تقویت می کند. در شرایط استعمال بدون فاصله کودها بخصوص کودهای حیوانی و ترکیب های آنها پروسه ایموبیلیزاسیون (بکار گرفته نشدن) ازت تقویت می گردد و شرایط مناسبی برای استفاده ازت و سایر ترکیب های کودی از طرف گیاهان بعمل می آید.

با ازدیاد تولید کشاورزی در اکثر نقاط جهان کمبود فسفر احساس می گردد و امروز این کمبود به یک پروبلم بزرگ در تغذیه گیاهان تبدیل شده است. یکی از علل کمبود فزاینده فسفر در خاک محدود بودن ذخایر ژئولوژیکی فسفر می باشد. استفاده فشرده از معادن و ذخایر فسفر در گذشته مقدار آن را تقلیل داده و از سوی دیگر فسفر از طرف خاک بسهولت جذب شده تغییر ترکیب میدهد. باید گفت که مقدار عمومی فسفر در خاک زیاد بوده ولی از طرف گیاه نمی تواند موارد استفاده قرار گیرد.

پروبلیم کمبود فسفر در خاک یک راه حل دارد و آن تقویت باکتری های تجزیه کننده فسفر می باشد. بهبود شرایط میکروبیولوژیکی خاک فرمهای عمومی فسفر و ترکیب های فسفوری تجزیه شده و به فسفر قابل جذب تبدیل می گردد. در گردش فسفر میکروارگانیسم ها رل خصوصی و مهمی را بازی می کنند. تأثیر میکروارگانیسم ها به این پروسه از سه طریق تأمین می گردد. تجزیه ترکیب های فسفوری و تبدیل آنها به محلول، استفاده از فسفر قابل جذب و تثبیت فسفر در ارگانیسم. تجسّسات سالهای گذشته در موسسات علمی اروپا معین گردید که باکتری های تجزیه کننده فسفر ۵۰ درصد

تراکتورسازی قهرمان جام حذفی شد



ترتیب دادند. سرانجام در دقیقه 51 قفل دروازه ها شکسته شد. سعید دقیقی که با تک گل خود برابر فولاد تراکتور را به فینال رسانده بود، باز هم برای تیمش گلزنی کرد تا نماینده تبریز در آستانه قهرمانی در جام حذفی قرار بگیرد. پس از این گل، مسی ها که اصلا دوست نداشتند جام را در خانه تقدیم تراکتورسازی کنند سراپا حمله شدند. شاگردان بوناچیچ هر لحظه فشار حملات خود را بیشتر می کردند اما در باز کردند دروازه حریف ناکام بودند. با نزدیک شدن به دقایق پایانی مسابقه استرس بازیکنان دو تیم را بیشتر می شد. تونی اولیویرا که می دانست با پیروزی در این دیدار به محبوب ترین چهره نزد هواداران تبریزی تبدیل می شود، در دقایق پایانی چند تعویض را انجام داد تا تیمش کنترل بازی را در دست بگیرد. در نهایت داور مسابقه در سوت خود دمید تا تراکتورسازی با نتیجه 1 بر صفر به پیروزی برسد و قهرمان جام حذفی شود. بدین ترتیب تراکتورسازی نخستین جام حذفی تاریخ خود را کسب کرد و به عنوان اولین نماینده آسیایی ایران در فصل آینده لیگ قهرمانان معرفی شد.

عصر جمعه نگاه همه فوتبال دوستان به ورزشگاه باهنر کرمان بود. جایی که دو تیم تراکتورسازی و مس فینال جام حذفی را برگزار می کردند. هر دو تیم در فصل جاری لیگ برتر فراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشتند و حالا انگیزه زیادی برای فتح این جام داشتند. شاگردان لوکا که با شکست دادن استقلال به فینال رسیده بودند، بازی را بهتر از مهمان تبریزی خود آغاز کردند. لوسیانو ادینیو، امید اول هواداران مس نخستین موقعیت خطرناک بازی روی یک ضربه کاشته ایجاد کرد که ضربه او راهی کرنر شد. در مقابل علی کریمی هم که امیدوار بود بعد از مدتها یک جام داخلی را بالای سر ببرد، با یک ضربه ایستگاهی دروازه مس را تهدید کرد. در دقیقه 23 بازی بهترین موقعیت نیمه اول ایجاد شد و شوت لوسیانو ادینیو از پشت محوطه جریمه به تیرک عمودی برخورد کرد تا دروازه حامد لک با خوش شانسی باز نشود. در ادامه بازی به تعادل کشیده شد و توپ بیشتر در میانه میدان در جریان بود تا 45 دقیقه نخست فینال جام حذفی با تساوی بدون گل به پایان برسد. با شروع نیمه دوم شاگردان تونی اولیویرا بازی تهاجمی را از خود ارائه دادند و حملاتی را روی دروازه مس